کودکان ونوجوانان

فرهنگ لغات تصویری

دو زبانه

فارسی - انگلیسی

۲



A B C D E F G H I J K L M N O P Q R S T U V W X Y Z

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی

بسم الله الرحمن الرحیم

فرهنگ‌لغت تصویری کودکان و نوجوانان

دو زبانه (فارسی _ انگلیسی)

۲

Children´s Picture Dictionary



دیکشنری دو زبانه



انتشارات پیام آزادی

فرهنگ‌لغت تصویری کودکان و نوجوانان (۲)

مؤلف : لارا تانکل

مترجم : قاسم قالیباف

ویرایش : قاسم قالیباف

اجرای تصاویر : سید جواد سادات، مصطفی خسرو آبادی

صفحه آرایی : مصطفی خسرو آبادی

شمارگان : ۵۰۰۰ جلد

چاپ اول : ۱۳۸۶

چاپخانه : سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پیام آزادی

تهران- خیابان جمهوری اسلامی - بین میدان بهارستان و استقلال
کوچه شهید مظفری- کوچه یکم- پلاک ۱۱
تلفن: ۳۳۹۰۵۵۱۵ -۳۳۹۳۶۲۹۴ نمابر:۳۳۹۳۵۷۶۱
Email: Zamani244@Yahoo.com
Web Site: www.PayamBooks.ir

سرشناسه : هولتس، لاراتانکل، ۱۹۶۷ -م. Holtz , Lara Tankal
عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ لغت تصویری کودکان و نوجوانان: دوزبانه(فارسی - انگلیسی)/مؤلف لاراتانکل: مترجم قاسم قالیباف.
مشخصات نشر : تهران : پیام آزادی.
مشخصات ظاهری : ۶۰ص.:مصور(رنگی).
شابک : (ج.۱)ISBN 978 - 964 - 302 - 769 - 8 (دوره) ISBN 978 - 964 - 302 - 779 - 8
(ج.۲) ISBN 978 - 964 - 302 - 765 - 0 (ج.۳) ISBN 978 - 964 - 302 - 755 - 1
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا.
یادداشت : فارسی - انگلیسی.
یادداشت : عنوان به انگلیسی :
یادداشت : عنوان روی جلد : فرهنگ تصویری کودکان: دوزبانه (فارسی - انگلیسی) سطح مقدماتی(۱).
یادداشت : گروه سنی :ب.
موضوع : فارسی -- واژه‌نامه‌ها -- انگلیسی.
موضوع : واژه‌نامه‌های مصور.
شناسه افزوده : قالیباف، قاسم، ۱۳۳۵-، مترجم.
رده‌بندی دیویی : ۱۳۸۵ ف۸۶۲ ه ۳فا۴
شماره‌کتابشناسی ملی : ۴۷۹۶۶ - ۸۵م

فرهنگنامه دو زبانه‌ی مصور (فارسی ـ انگلیسی)

این لغت‌نامه‌ی تصویری و شگفت‌انگیز که در نوع خود بی‌نظیر است، آموزش لغات و عبارات جدید و نام‌گذاری اجزا، اشیا و یادگیری زبان در خلال مجموعه‌ای سرگرم کننده و حیرت‌انگیز از مفاهیم مصور را برای فرزندانمان امکان‌پذیر می‌سازد. هر دو صفحه‌ی روبه‌روی هم، مجموعه‌ای کامل از لغات در موضوعی واحد را فراهم آورده است، مانند: موسیقی، پستان‌داران و موجودات دریایی یا فضایی. این واژه‌نامه‌ی دوزبانه‌ی مصور، فرزندانمان را به خواندن و نوشتن ترغیب کرده و در کتاب‌خانه‌ی هر کودکی جای دارد. بیش از ۲۵۰۰ اسم و فعل و صفت برای تکمیل لغتنامه‌ی (واژه‌نامه) کودکان گزینش شده است. این واژه‌ها در مشورت با زبان‌شناسان و کارشناسان فرهنگ کودک انتخاب شده‌اند. بیش از ۷۰۰ تصویر رنگی و نقاشی با کلمات دارای حرکت به خواندن صحیح کمک می‌کنند. فرهنگ لغتی کامل است که فرزندانمان را در تلفظ صحیح و پی‌گیری موضوعات کتاب یاری می‌کند و پیام‌هایی را به دو زبان فارسی و انگلیسی، به فرزندانمان که خوانندگان اصلی این لغت‌نامه هستند، می‌رساند.



سخنی با خانواده‌ها

ـ این واژه‌نامه به دو زبان فارسی و انگلیسی و پر از تصویرهای سرگرم کننده با تعاریف خاص است.

ـ این لغت‌نامه مجموعه‌ی شگفت‌انگیز در موضوعاتی متنوع است؛ و از پستان‌داران گرفته تا فضا را شامل می‌شود.

ـ این فرهنگ لغت در مقابل چشمان فرزندانمان گستره‌ای وسیع از لغاتی را می‌گشاید که در میان آن‌ها تعدادی از واژه‌ها در ضمن یک عبارت وصفی مطرح شده‌اند، و مشتمل بر کلماتی می‌باشد که کم‌تر رایج بوده‌اند و نام کلیه‌ی اجزای یک شی یا موضوع بیان شده است.

ـ فرزندان خود را به یادگیری روش کاربرد این کتاب تشویق کنید تا در مورد موضوعاتی که به آن علاقه‌مند هستند، دقت کنند.

ـ تصاویر و نقاشی‌های جذاب به فهم معانی کلمات جدید کمک می‌کنند. هم‌چنین می‌توانید برای کمک به فرزندانتان، لغات و عبارات را با صدای بلند خوانده و در مورد موضوعاتی که برای آن‌ها مجهول یا مهم هستند، با ایشان صحبت کنید.

ـ آنان را تشویق کنید که بین این موضوعات و آگاهی‌ها و توانایی‌های خاص خود ارتباط برقرار کنند.

ـ برای کودکان استفاده از این مجموعه‌ی وسیع در نوشتار، خواه در خانه یا در مدرسه امکان‌پذیر خواهد بود.

ـ این واژه‌نامه فرزندانتان را در آموختن الفبا راهنمایی می‌کند که مهارتی مهم و هم‌چنین منبعی است غنی تا آنان تلفظ صحیح حروف و کلمات را بیاموزند.

ـ به فرزندان خود نشان دهید که چگونه به کلمات، چون یک شی و یا موضوع بنگرند.

این فرهنگ لغت که به دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده، منبعی ارزشمند از واژه‌هایی است که یادگیری فرزندانمان برای بهتر خواندن و نوشتن را در پی دارد.



فهرست





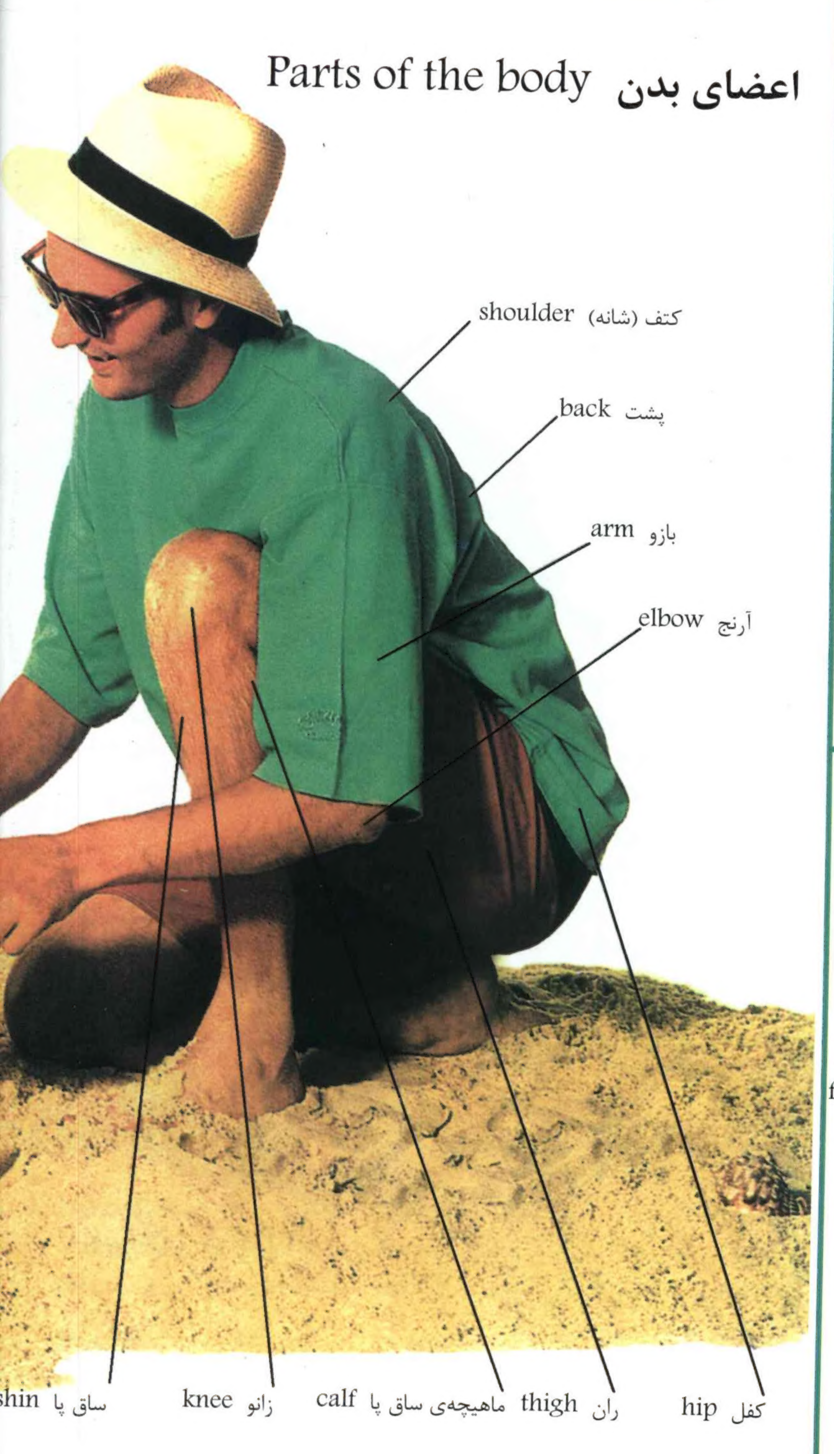
ما، انسان‌ها

افراد بشـر، مخلوقاتی ممتاز هسـتند؛ خداوند ما را برترین آفریدگانش قرار داده و متفاوت از سـایرین، به ما قدرت تکلّم بخشـیده اسـت. جسـم را تحتِ فرماندهـی عقل قرار داده و توانایـی حرکت، تفکر، یادآوری و بیان احساسـاتمان را فراهم آورده است. بدن ما هنگام رشد، به‌تدریج تغییر شکل داده، کامل می‌شود.

My family خانواده‌ی من



Parts of the body اعضای بدن



My feelings احساسات من


feeling shy خجالت کشیدن

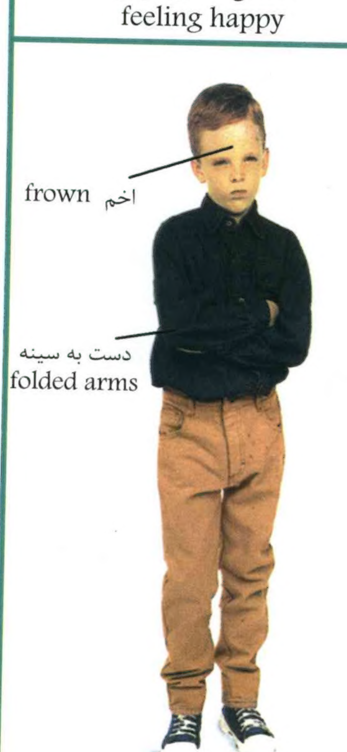
loving my puppy دوست داشتن توله‌سگ من



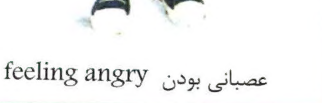
احساس شادی کردن
feeling happy



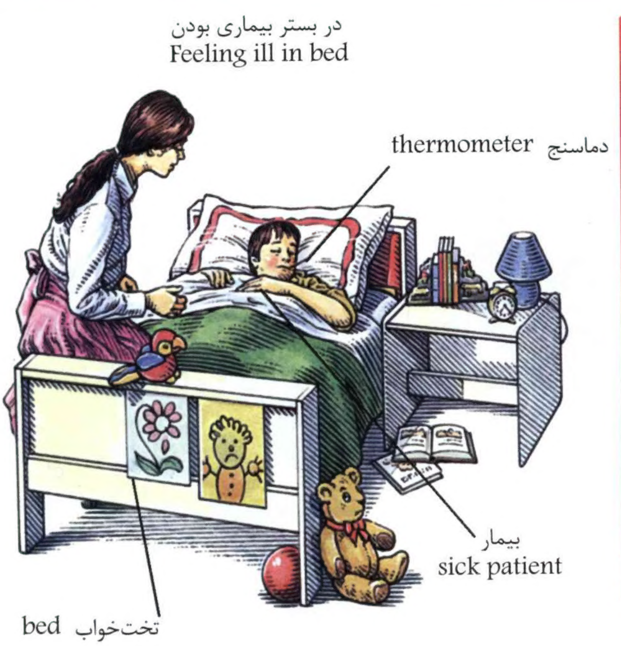
feeling sad غمگین بودن

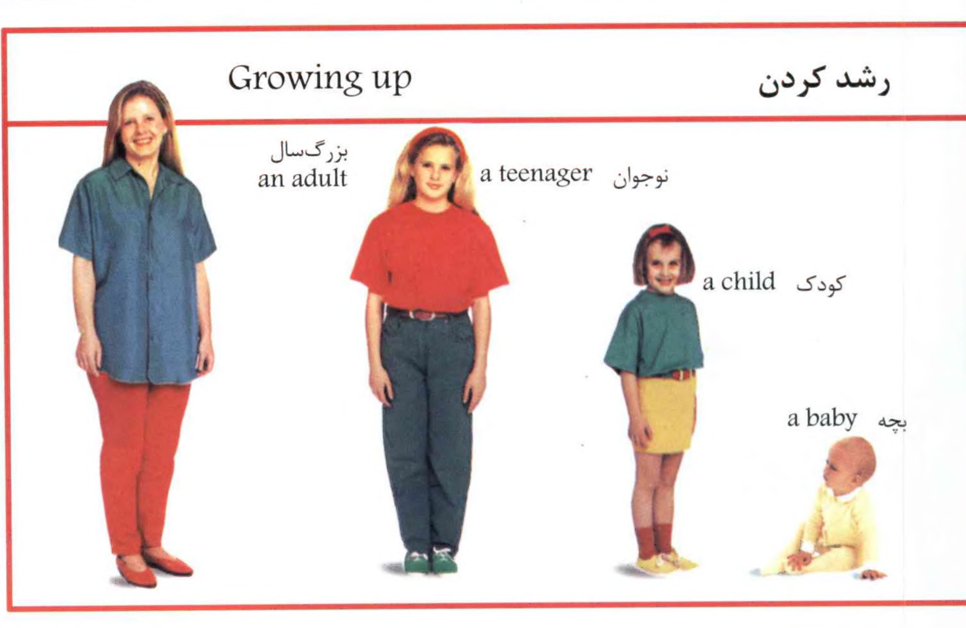


feeling angry عصبانی بودن

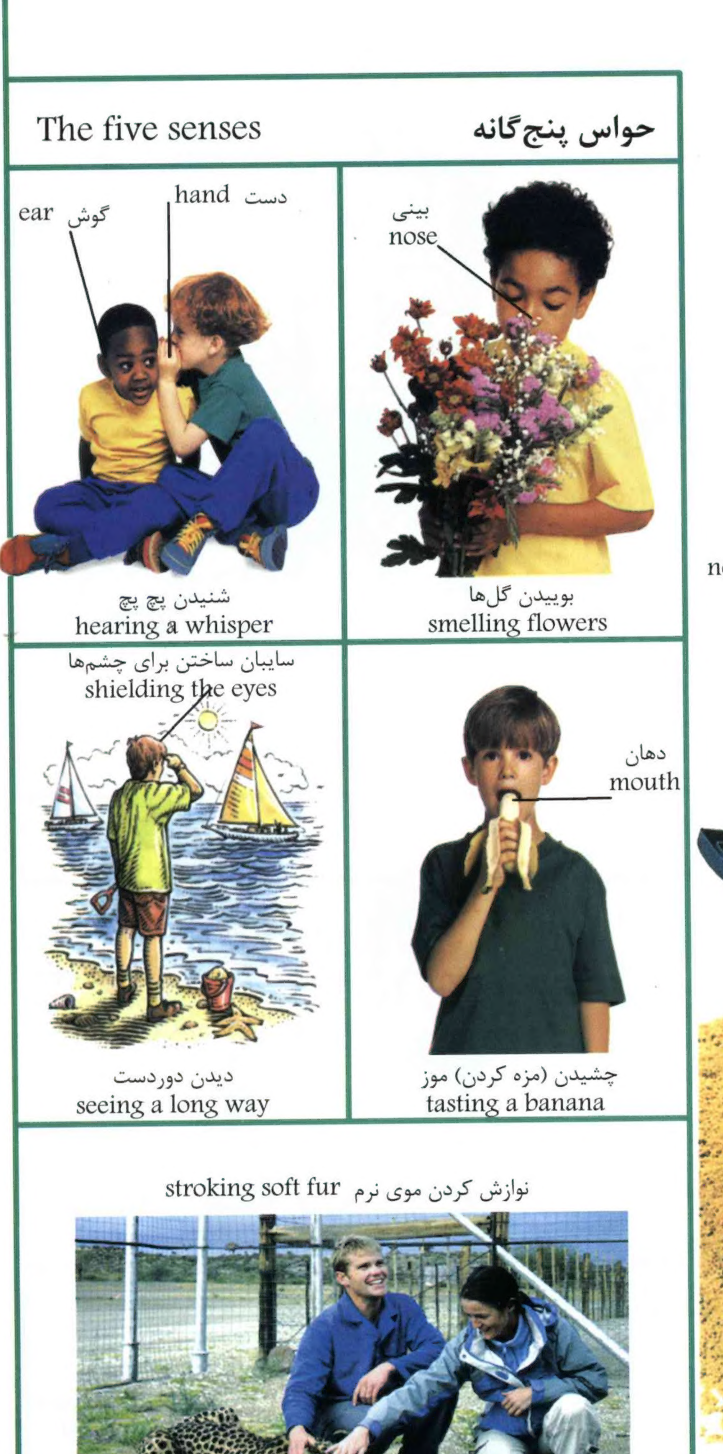



احساس هیجان کردن
feeling excited





The five senses حواس پنج‌گانه



face صورت

- eyebrow اَبرو
- forehead پیشانی
- eyelid پلک چشم
- eyelashes مژه‌ها
- cheek گونه
- nostril سوراخ بینی
- lips لَب‌ها
- chin چانه

head سر

- hair مو
- ear گوش
- nose بینی
- mouth دهان
- neck گردن
- waist کمر
- wrist مُچ دست
- انگشت شست دست thumb
- انگشت اشاره index finger
- ankle مُچ پا
- toe انگشت پا

In the classroom درْ کلاس

محل منابع
resource area

نمایش اجرای طرح
project work on display

تابلوی اعلانات
notice-board

teacher معلّم

میز چرخ‌دار منابع
resources trolley

مدرسه

در مدارس، کودکان خواندن و نوشتن می‌آموزند و مهارت و دانشی را که در بزرگ‌سالی به آن نیازمند هستند، کسب می‌کنند. آن‌ها هم‌چنین، به ورزش و فعّالیت‌های گروهی پرداخته، شیوه‌ی فعّالیت در جمع را فرا می‌گیرند.

At school در مدرسه

زمین بازی
playing-field

ساختمان کلاس‌های درس
classroom block

سالن اجتماعات
assembly hall

سالن غذاخوری
dining hall

دفتر کارکنان
staff room

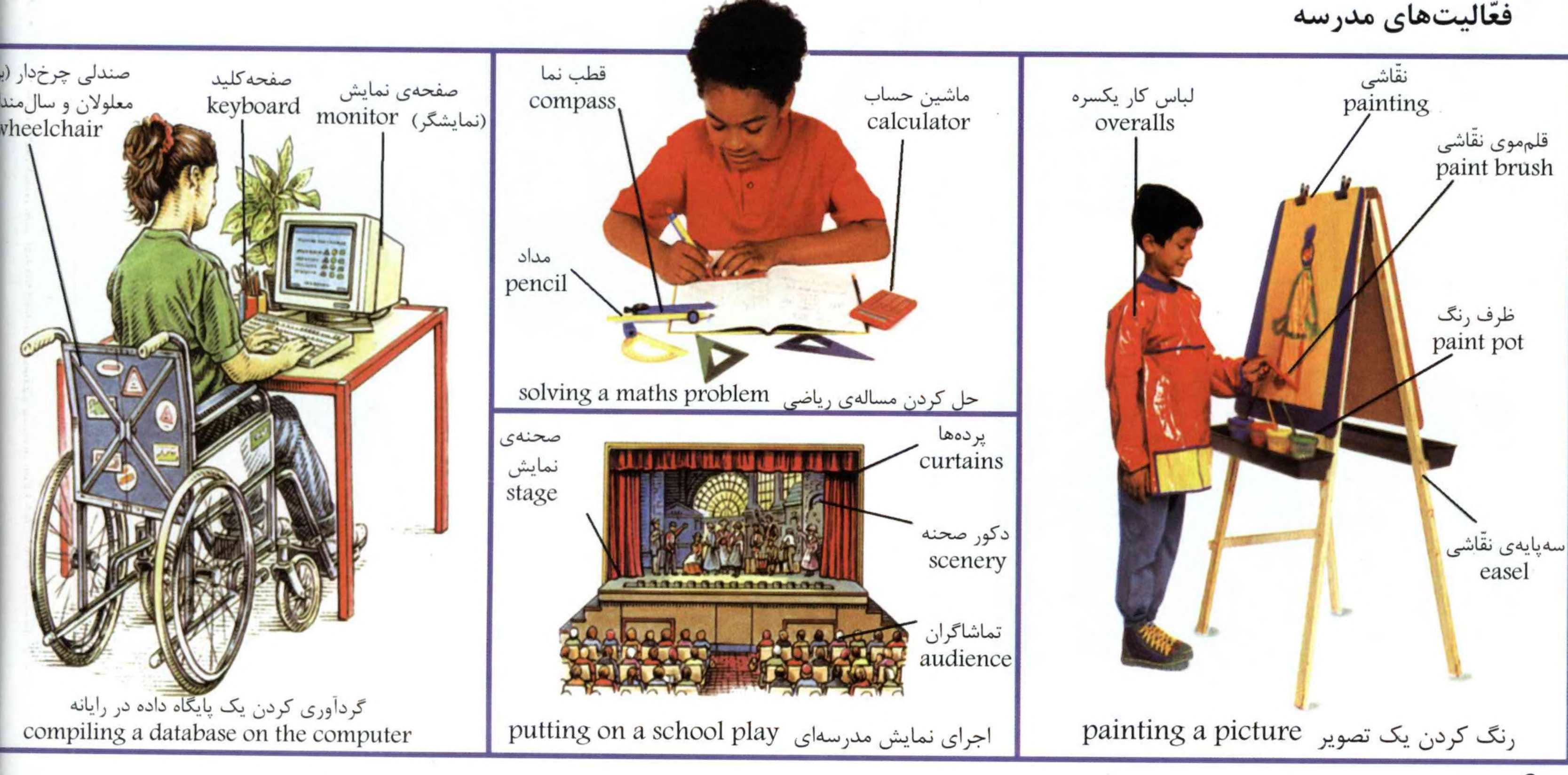
درب ورودی مدرسه
school entrance

اتاقک‌های (ایستگاه) دوچرخه‌ها
bicycle sheds

زمین بازی
play ground

پارکینگ ماشین‌های کارکنان
staff car park

فعّالیت‌های مدرسه



گردآوری کردن یک پایگاه داده در رایانه
compiling a database on the computer

solving a maths problem حل کردن مساله‌ی ریاضی

putting on a school play اجرای نمایش مدرسه‌ای

painting a picture رنگ کردن یک تصویر

Learning out of school آموختن خارج از مدرسه

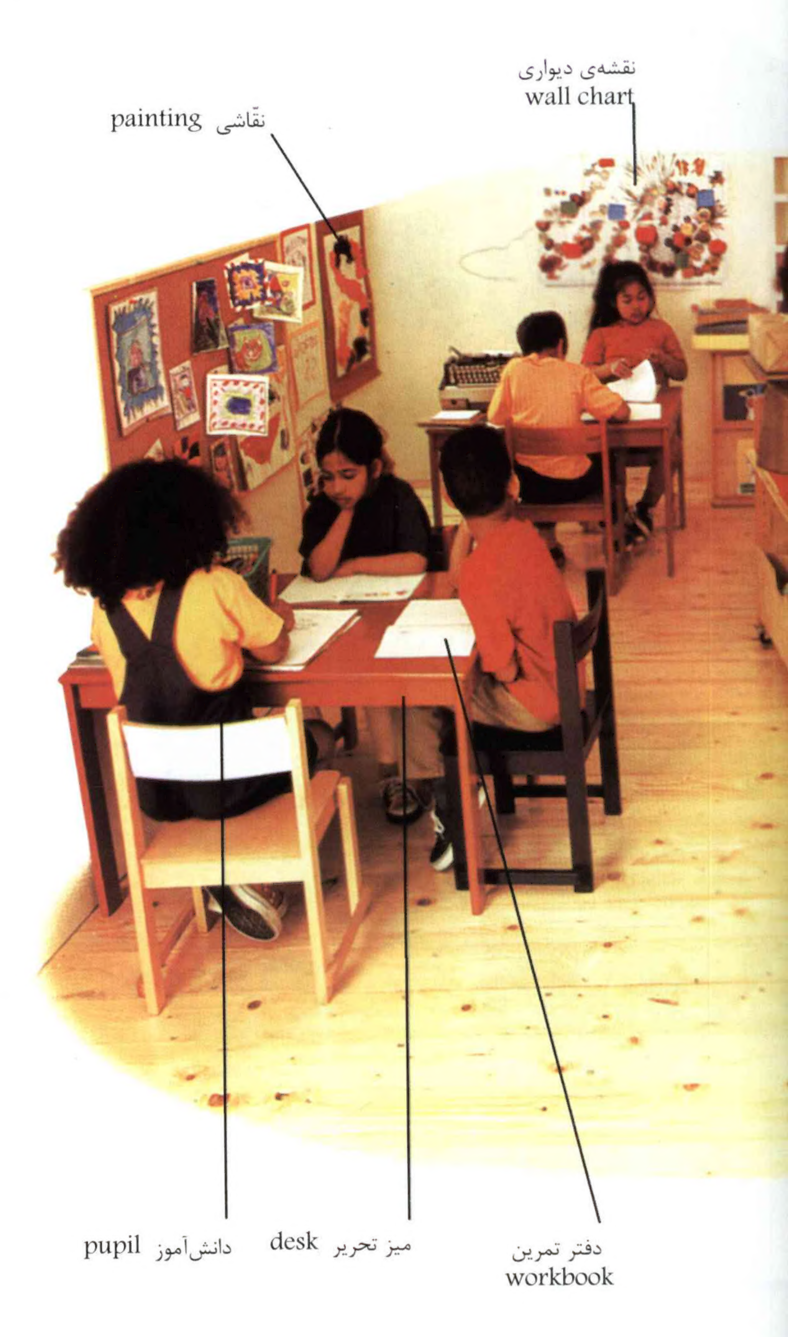


doing research تحقیق کردن

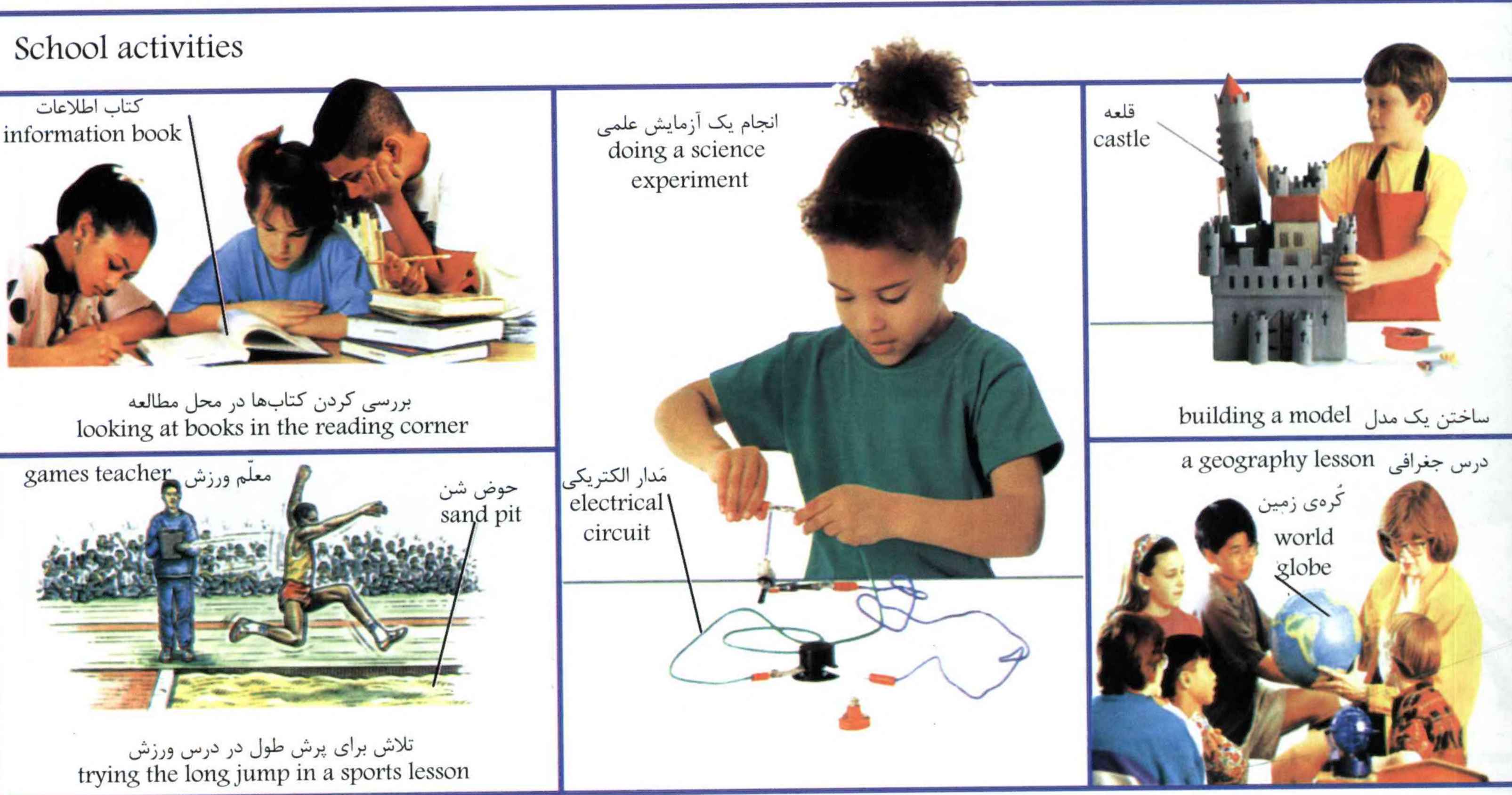
در جست‌وجوی جانوران کوچک
searching for minibeasts

انجام تکلیف در خانه
working at home

visiting a museum collection بازدید از یک مجموعه در موزه



School activities



بررسی کردن کتاب‌ها در محل مطالعه
looking at books in the reading corner

building a model ساختن یک مدل

a geography lesson درس جغرافی

تلاش برای پرش طول در درس ورزش
trying the long jump in a sports lesson

شغل

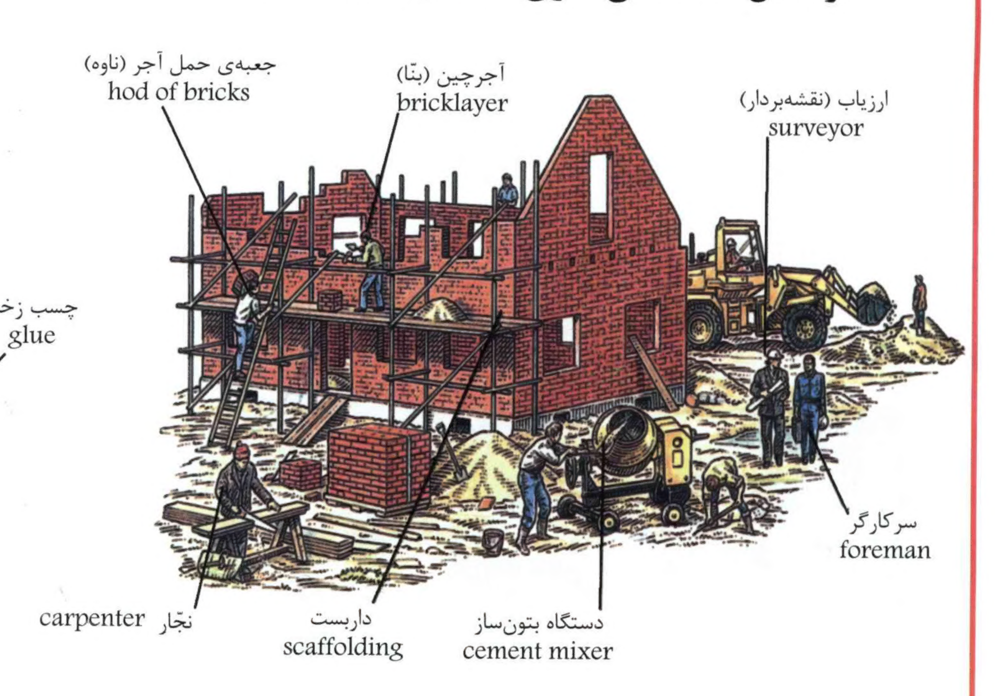
مردم کار می‌کنند؛ پول به‌دست می‌آورند و برای خود و خانواده‌شان، غذا، لباس و مَسکن فراهم می‌کنند. شغل‌های بسیاری در دنیا هست که بعضی از آن‌ها مانند کشاورزی، در فضای آزاد و بعضی دیگر، مانند مشاغل دفتری و کارخانه‌ای در یک ساختمان انجام می‌شوند. پزشکان، آتش‌نشانان و امثال آن‌ها نیز به افرادی که به کمک نیاز دارند، یاری می‌رسانند.

پماد ضد عفونی‌کننده
pomade

چسب زخم
glue

گاز استریل
gauze

در محل ساختمان‌سازی At the building site

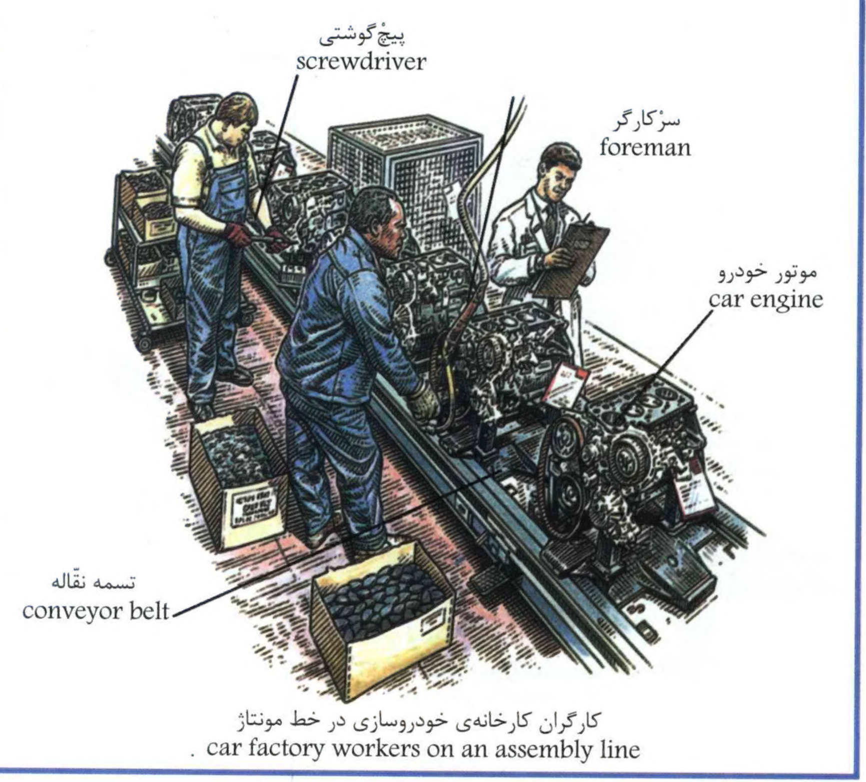


کارهای (شغل‌های) مختلفی که مردم انجام می‌دهند.



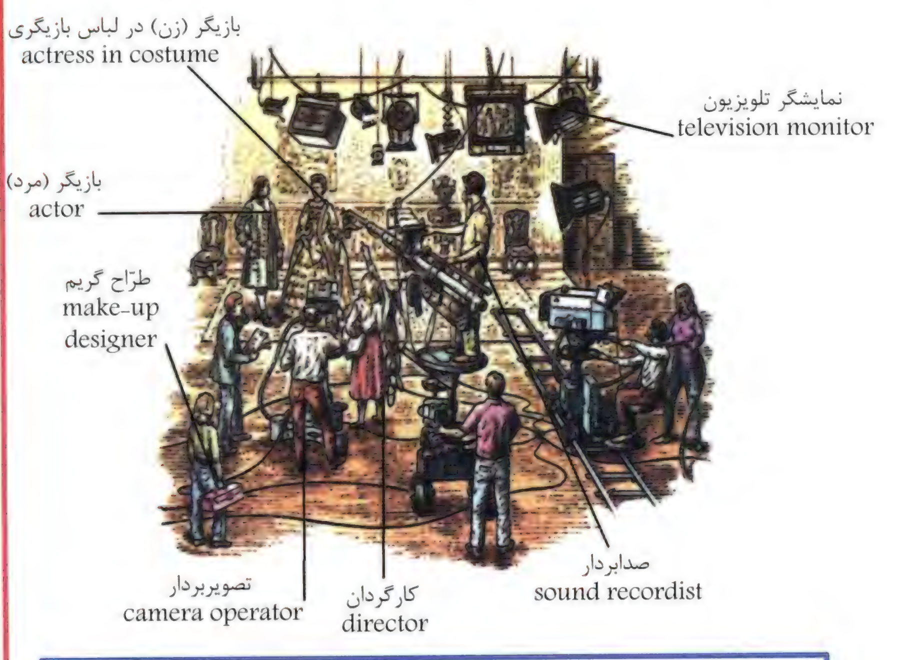
سفالگر در کارگاهش
a potter in his studio

لوله‌کش با جعبه‌ابزارش
a plumber with her tool kit



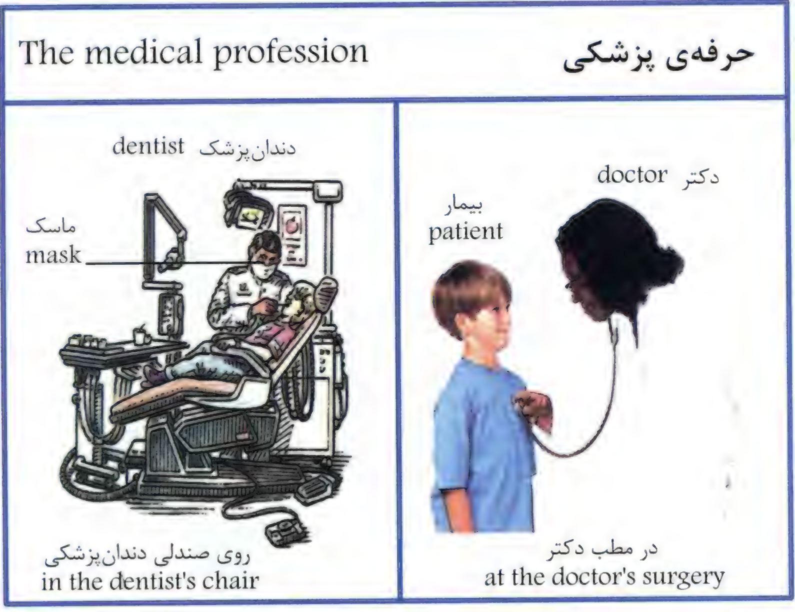
کارگران کارخانه‌ی خودروسازی در خط مونتاژ
car factory workers on an assembly line

In the television studio در استودیوی تلویزیون





The medical profession حرفه‌ی پزشکی



روی صندلی دندان‌پزشکی
in the dentist's chair

در مطب دکتر
at the doctor's surgery

Different jobs that people do

دسته‌گل
bouquet of flowers

گُل‌فروش در گل‌فروشی
a florist in a flower shop



سرآشپز در آشپزخانه‌اش
a chef in her kitchen

swivel chair صندلی‌گردان

رایانه (کامپیوتر)
computer

میز کار
desk

حساب‌دار در دفتر کارش
an accountant in her office



آتش‌نشان‌ها در حال خاموش کردن آتش
fire fighters putting out a fire



دانشمند در آزمایشگاهش
a scientist in her laboratory

خرید

مردم وسایل مورد نیاز خود مانند غذا و پوشاک را از بـــازار تهیه می‌کنند. بعضی مغازه‌ها مانند نانوایی و داروخانه، کالای مشخصی را می‌فروشند؛ ولی در خواروبار فروشی و نیز فروشگاه‌های بزرگ، خریداران هر آن‌چه را که لازم دارند، یک‌جا می‌یابند.

بازار شلوغ میوه و تره‌بار
A busy fruit and vegetable market

خریدار
shopper

سبد اصلی کالا
storage basket

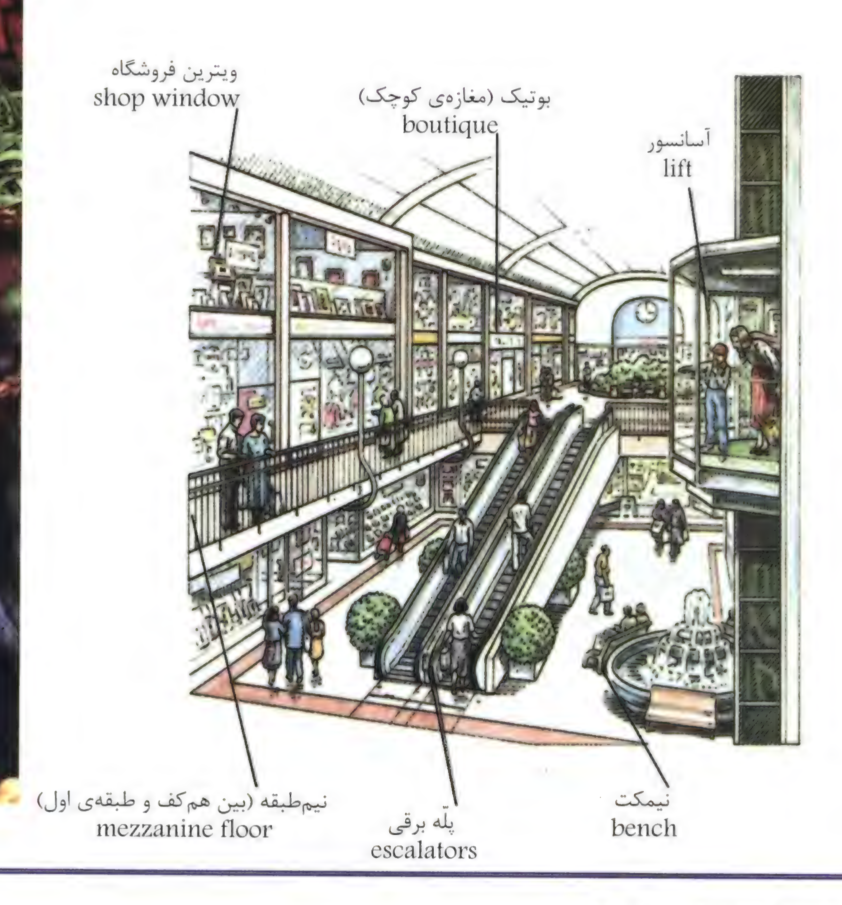
محصول تازه
fresh produce

برچسب قیمت
price ticket

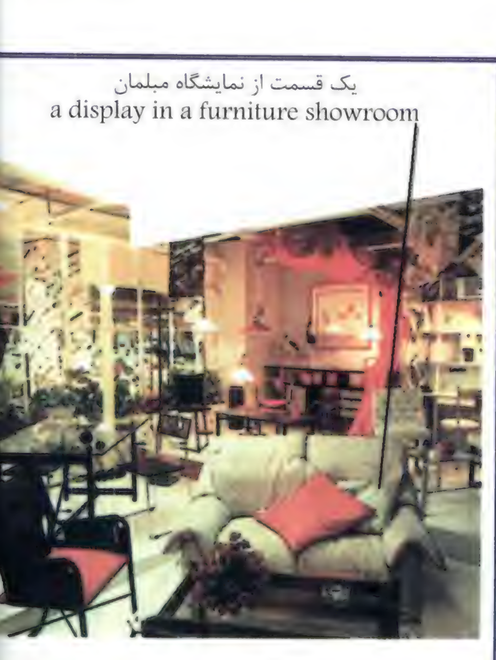
سبد خرید
shopping basket

crate جعبه

A shopping centre مرکز خرید



فروشگاه‌های مختلف



مبلمان اتاق نشیمن
living-room furniture



خرید روزنامه از دکه‌ی روزنامه فروشی
buying a paper at a newspaper kiosk

گردش در لباس فروشی
browsing in a clothes shop



رزرو بلیت در آژانس مسافرتی برای تعطیلات
booking a holiday in a travel agents

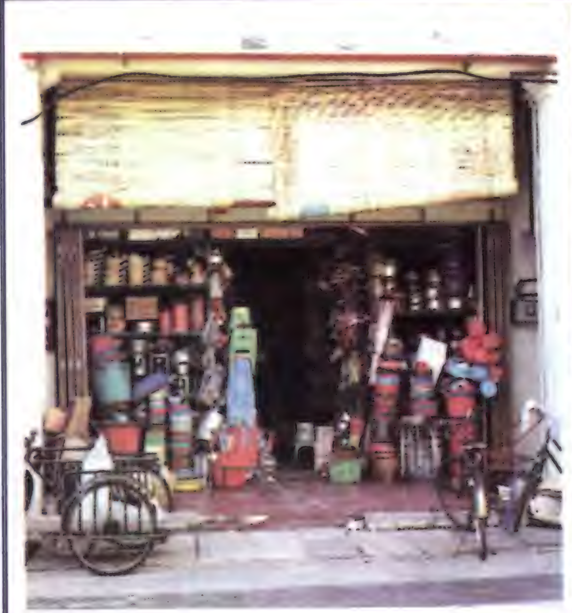
Customers in a toy department مشتری‌ها در بخش اسباب بازی



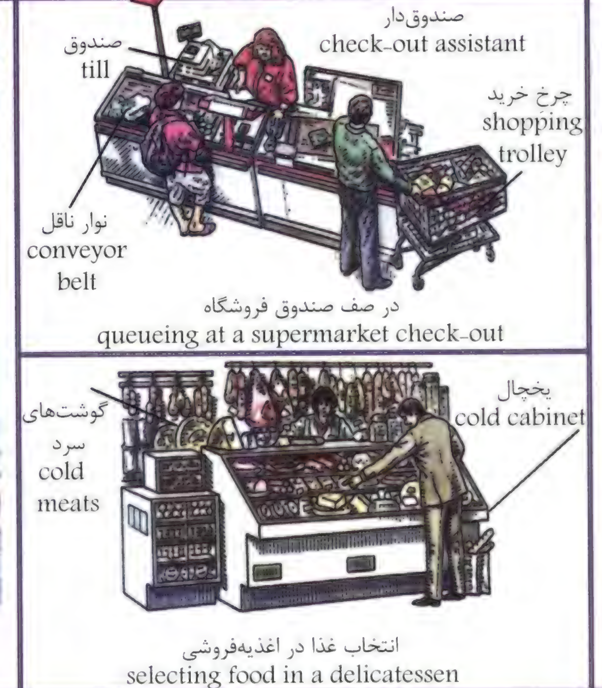




A variety of shops



a hardware shop فروشگاه اجناس فلزّی



انتخاب غذا در اغذیه‌فروشی
selecting food in a delicatessen



leaving a baker's shop خروج از نانوایی

غذا

همه‌ی موجودات زنده، برای ادامه‌ی هستی به غذا نیاز دارند. غذا، انرژی‌زا و گرما بخش است و به رشد و سلامتی ما کمک می‌کند. برای سـالم ماندن، باید مقدار زیادی میوه و سـبزی تـازه مصرف کنیم و وعده‌های غذایی منظّم داشـتـه باشـیم. مصـرف مواد غذایـی به‌صورت خام یا پختــه، بهتر از مصرف آن‌ها به‌صورت سرخ شده است.

a picnic گردش دسته‌جمعی

بُطری آب
bottle of water

فلاسک
vacuum flask

کاسهٔ چیپس
bowl of crisps

jug پارچ

لیوان آب میوه
beaker of juice

بشقاب ساندویچ‌ها
plate of sandwiches

دستمال سفره
napkin

سوسیس‌های کباب شده
grilled sausages

پارچه (سفره)
cloth

An open-air caf کافه رستوران در فضای آزاد

parasol سایبان

گارسون (پیشخدمت)
waiter

صورتِ غذا
menu card

رستوران کوچک
diner



Cooking food غذا پختن

روپوش سفید
white coat

ساطور
chopper

تخته‌ی آشپزخانه
chopping board

سَرآشپز در حال خرد کردن سبزی
a chef chopping vegetables

قابلمه‌ی دردار
casserole dish

apron پیش‌بند

به هم زدن سوپ
stirring some soup

ترازوی آشپزخانه
kitchen scales

وزن کردن آرد
weighing flour

خمیر
dough

وسیله‌ی قالب زدن بیسکویت‌ها
biscuit cutter

ظرف مخلوط کردن
mixing bowl

بریدن بیسکویت‌ها
cutting out biscuits

نوعی قابلمه دارای در و یک دسته‌ی دراز
saucepan

حباب‌های هوا
air bubbles

آب‌پز کردن نخود
boiling some peas

سینی پخت
baking tray

دست‌کش فر
oven glove

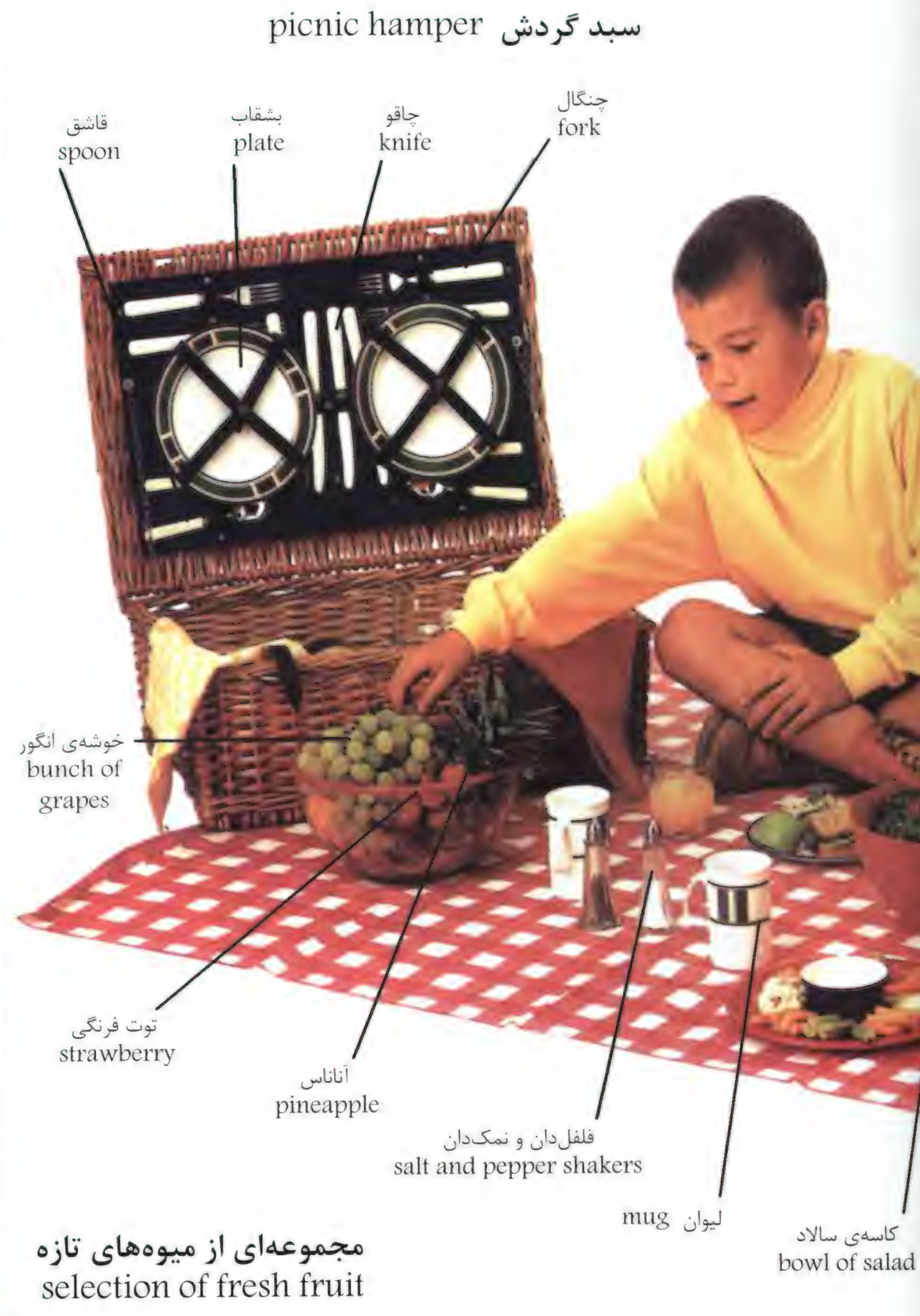
baking a cake کیک پختن

هم‌زن
balloon whisk

زدن خامه
whipping some cream

پوستْ‌گیرِ سیب
apple peeler

پوست گرفتن سیب
peeling an apple



مجموعه‌ای از میوه‌های تازه
selection of fresh fruit

Tastes and flavours مزه‌ها و طعم‌ها



a slice of sweet cake یک بُرش کیک

خورش خوش‌مزه‌ی گوشت
a savoury meat stew

sour lemons لیمو ترش

salty peanuts بادام زمینی‌های شور

بازی و سرگرمی

افـراد، اوقات فراغت خـود را به روش‌های گوناگون سـپری می‌کنند؛ گاهی به‌تنهایی و گاهی به‌همراه دوستان و خانواده، بعضی‌ها در جسـت‌وجوی سرگرمی‌هایی خارج از محیط خانه خود هسـتند؛ مانند رفتن به سـینما و تئاتر یا تجدید نیرو در فضای آزاد با انجام تمرین‌های بدنی و بازی کردن. امّا گروهی دیگر برای مشغول شدن، سرگرمی‌های درون منزل را ترجیح می‌دهند.

نمایش عروسکی
A puppet show

تماشاگران
audience

زمین بازی ماجراجویی An adventure playground

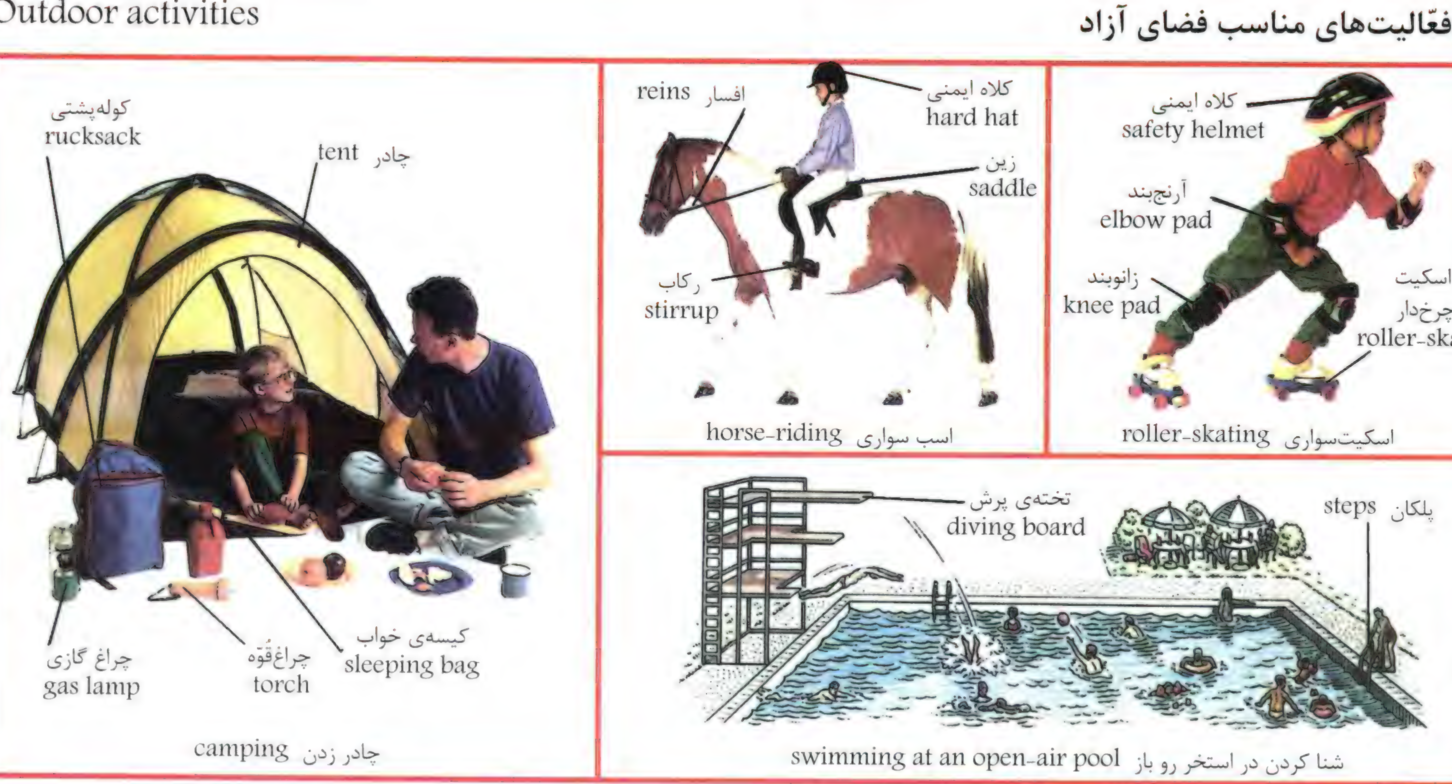
نردبان
ladder

سکوی چوبی
wooden platform

پل طنابی
rope bridge

تُشک فرود
landing mat

فعّالیت‌های مناسب فضای آزاد
Outdoor activities




تئاتر خیابانی
Street theatre
حلقه‌های تَردستی
juggling rings
juggler تَردست
پادراز
stiltwalker
دوچرخه‌سوار شُعبده‌بازی
trick cyclist
چوبْ‌پاها
stilts
تک‌چرخه
unicycle
دلقک
clown
پرده‌ی پشتی
backcloth
پرده‌ها
curtains
عروسک دست‌کشی
glove puppet
نمای جلوی صحنه
foreground scenery
Indoor activities
فعّالیت‌های مناسب فضای سرپوشیده
tiara تاج
reading a book کتاب خواندن
لباس پوشیدن (برای نمایش یا مهمانی)
dressing up
صندلی سینما
cinema seat
پرده‌ی سینما
wide screen
dice shaker تاس
بازی تخته‌ای (صفحه‌دار)
board game
تماشا کردن فیلم
watching a film
playing a game بازی کردن
قیچی
scissors
کاغذ خیلی نازک
tissue paper
کلیدهای فرمان
controls
making a collage کُلاژ سازی
انجام بازی رایانه‌ای
playing a computer game
kite بادبادک
جُفتک چارکُش
بازی کردن
playing
leapfrog
tail
بادبادک
string for ste
flying a ki
playing tag گرگم به هوا بازی کردن

ورزش

بسیاری از افراد به ورزش علاقه دارند. هر رشته‌ی ورزشی، قوانین خاصّی دارد که ورزشکاران باید از آن پیروی کنند و نیز در هر ورزش از وسایل مخصوص به آن رشته استفاده می‌شود. در بعضی رشته‌ها، ورزشکاران تلاش می‌کنند رکورد ثبت شده‌ی ورزشکاران سابق را بشکنند. تعدادی از ورزش‌ها هم گروهی هستند و دو گروه (تیم)، برای کسب امتیاز بیش‌تر، با هم رقابت می‌کنند.

A sports stadium یک ورزشگاه



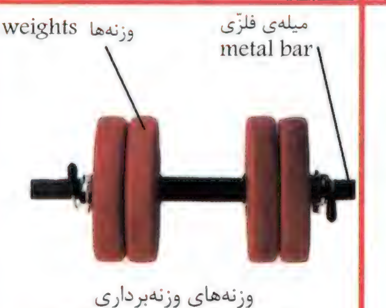
Sports equipment وسایل ورزشی



دست‌کش بیس‌بال
a baseball glove



کفش اسکیت روی یخ (کفش پاتیناژ)
an ice skate



وزنه‌های وزنه‌برداری
weights for weightlifting

توپ بسکتبال
a basketball ball

بند کفش
lace
spiked sole کفِ میخی

a running shoe کفش دو

strings سیم‌ها
توپ بدمینتون
shuttlecock

راکت بدمینتون
a badminton racquet

نوعی ژاکت کوتاه و بدون دُکمه
bolero jacket

لباس مناسب برای ممانعت از خیس شدن، لباس غواصّی
wet suit

لباس موج‌سواری با تخته و بادبان
a wet suit for windsurfing

مُحافظ صورت
face mask

کلاه (ایمنی) فوتبال آمریکایی
American football helmet



توپ فوتبال آمریکایی
an American football

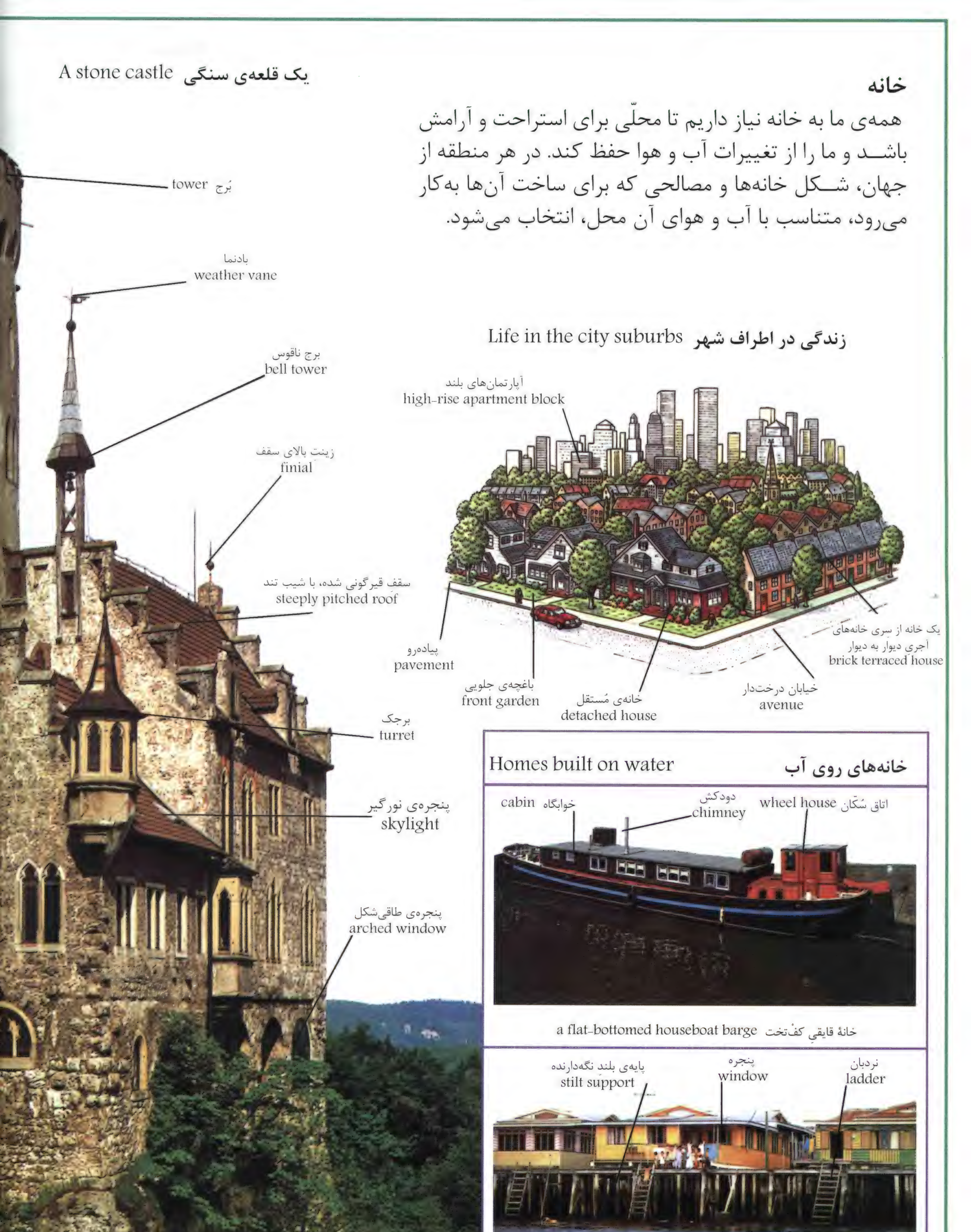
A football match یک مسابقه‌ی فوتبال




Ball games
بازی‌های توپی
بازیکن کریکت
cricketer
راکت (چوب)
کریکت
cricket bat
سرویس زدن در مسابقهٔ کریکت
batting in a cricket match
تور (سبد)
بسکتبال
basket
شلوار کوتاه
(شورت)
shorts
بازیکن بسکتبال
basketball
player
گُل زدن در بسکتبال
scoring in basketball
راکت تنیس
tennis racquet
کفش تنیس
tennis shoe
ضربه‌ی فورهند در تنیس
forehand shot in tennis
راکت بیس‌بال
baseball bat
آماده برای پرتاب توپ در بیس‌بال
ready for the pitch in baseball
Some other sports
چند ورزش دیگر
swimming شنا
تختهٔ موج‌سواری
windsurfing
board
بادبان
sail
موج‌سواری با تخته و بادبان
windsurfing
لباس سفید
white suit
کمربند
belt
پرتاب در جودو
throwing in judo
باتون (دسته)
pole
چوب اسکی
ski
skiing اسکی کردن
قایق‌رانی
canoeing
پارو
paddle
قایق پارویی مخصوص
canoe
یک دوچرخه‌سوار
A cyclist
helmet کلاه ایمنی
چانه‌بند
chinstrap
فرمان دوچرخه
handlebars
دسته‌ی دنده (اهرم دنده)
gear lever
frame بدنه
brake ترمز
چرخ جلو
front wheel
توپی چرخ
hub
رکاب (پدال)
pedal
tyre تایر
Track and field events
مسابقات دو و میدانی
داور
judge
the high jump پرش ارتفاع
sprinting دو سرعت
پرتاب نیزه
throwing the javelin
hurdling دو با مانع

خانه

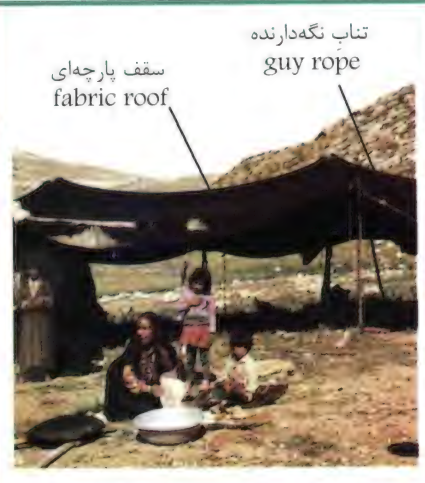
همه‌ی ما به خانه نیاز داریم تا محلّی برای استراحت و آرامش باشد و ما را از تغییرات آب و هوا حفظ کند. در هر منطقه از جهان، شکل خانه‌ها و مصالحی که برای ساخت آن‌ها به‌کار می‌رود، متناسب با آب و هوای آن محل، انتخاب می‌شود.



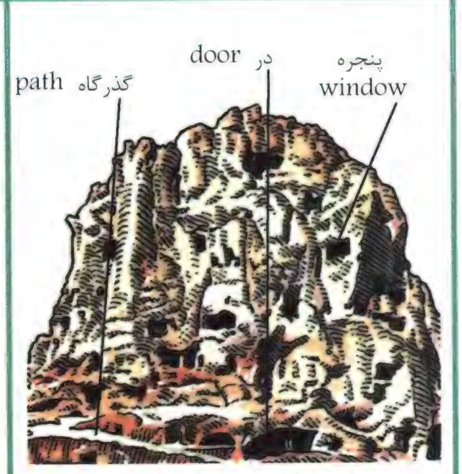
a flat-bottomed houseboat barge خانهٔ قایقیِ کفْ‌تخت

خانه‌های بلند چوبی سوار پایه‌های بلند
wooden long-houses on stilts

Homes in the country — خانه‌های بیرون شهر (محلّیِ)



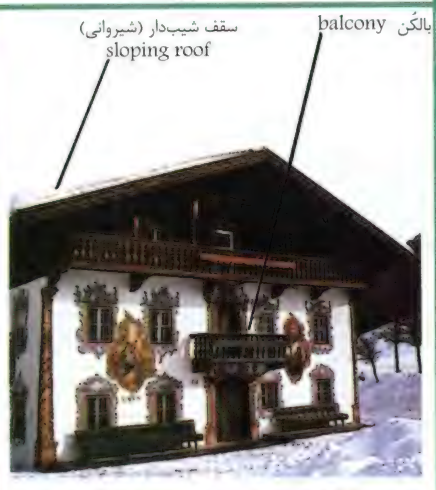
چادر بیابان‌نشینان در صحرا
a Bedouin tent in the desert



خانه‌های غاری در ترکیه
cave dwellings in Turkey



خانه‌ی قابل انتقال در استرالیا
a mobile home in Australia



کُلبه‌ای از تنه‌ی درخت در سوئیس
a log cabin in Switzerland



کلبه‌های کاه‌گلیِ اتیوپیایی
Ethiopian thatched huts

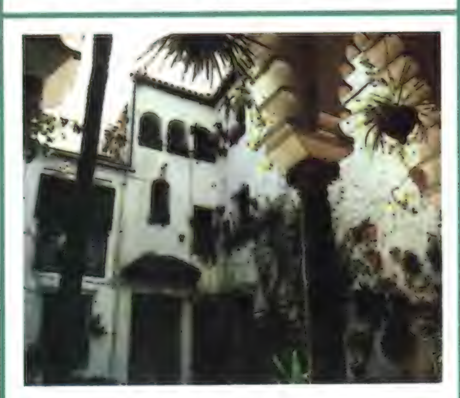


چادر مغولی در مغولستان
a yurt in Mongolia

Homes in the town — خانه‌های شهری

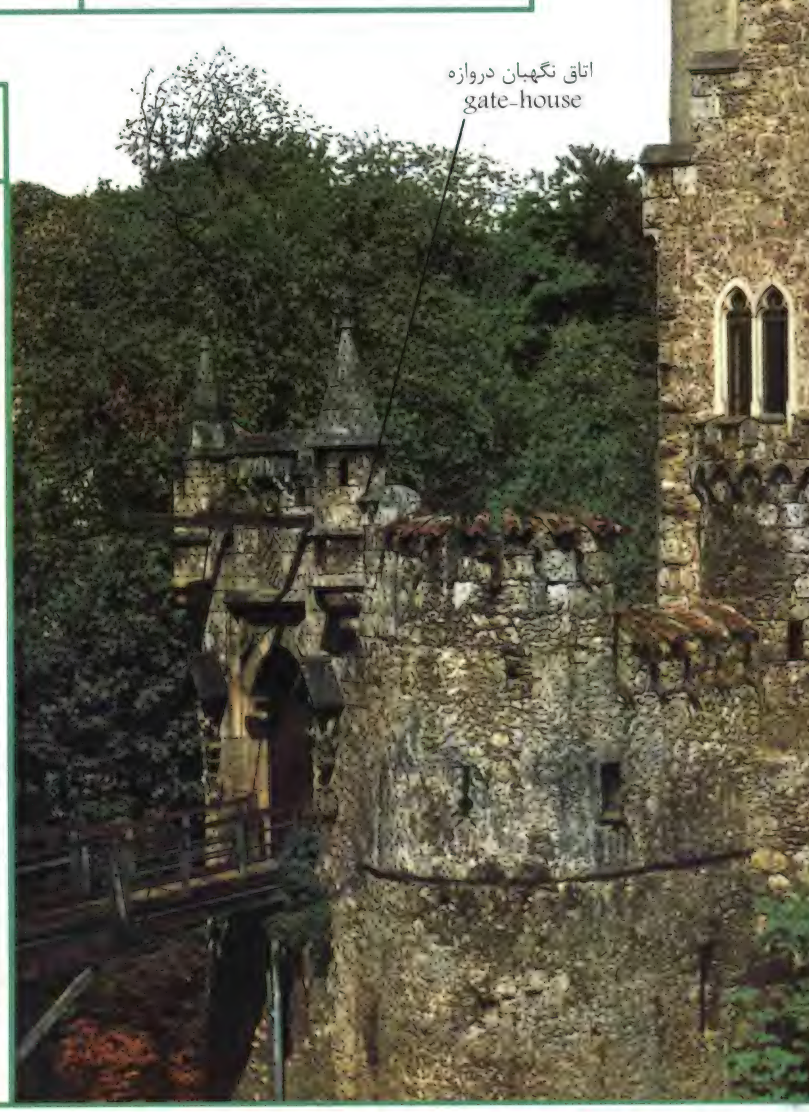


a bungalow خانه‌ی یک طبقه (ییلاقی)


خانه‌ی حیاط‌دار
a house with a courtyard



بُرج بتونی
a concrete tower block



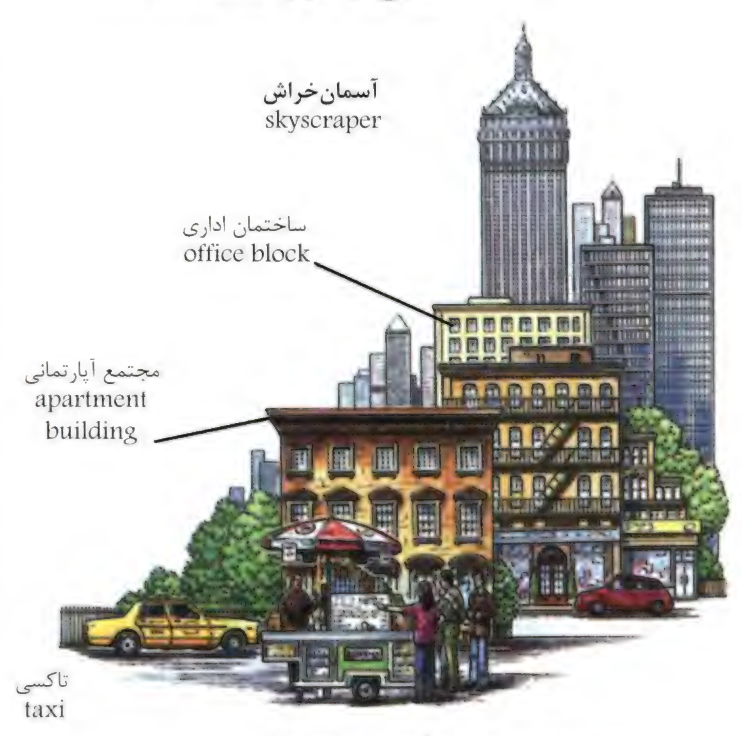
شهرهای بزرگ و کوچک

خانه‌ها و ساختمان‌های شلوغی که مردم در آن‌ها زندگی، کار و خرید و فروش می‌کنند، در شهرها و شهرک‌ها واقع شده‌اند. معمولاً این اجتماعات بزرگ بشری، دارای مراکز خدمات عمومی مانند پلیس، آتش‌نشانی، بیمارستان و کتاب‌خانه هستند.

A city square یک میدان شهر



A city scene نمایی از شهر



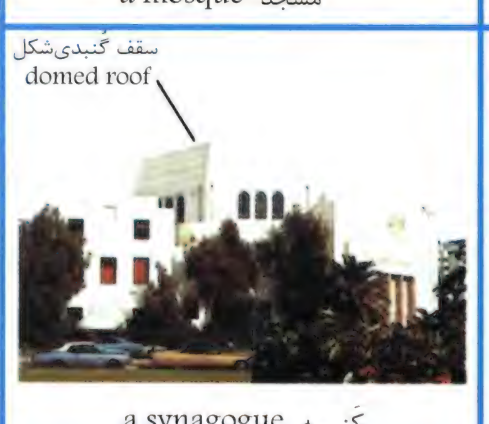
Places of worship عبادتگاه‌ها



a mosque مسجد



a cathedral کلیسای جامع



a synagogue کَنیسه



a temple مَعْبد

خدمات شهری

محل مطالعه
reading room

a library کتاب‌خانه

city sights چشم‌اندازهای شهر



a busy high street of shops خیابان پر مغازه و شلوغ



a grand hotel هتل بزرگ و مُجلّل



an office building ساختمان اداری



a cinema سینما



a city park پارک شهر



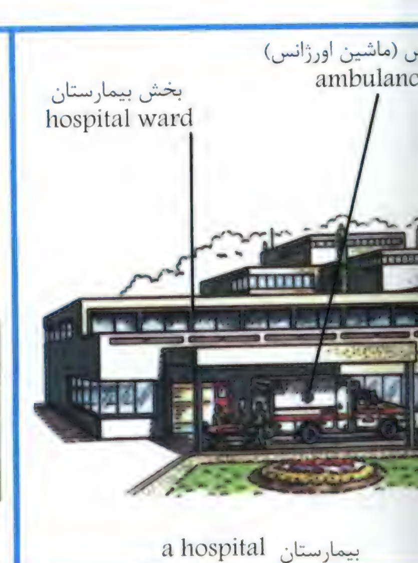
City services



a fire station ایستگاه آتش‌نشانی



a police station مرکز پلیس



a hospital بیمارستان

مزرعه

بخش بزرگی از مزارع جهان، به کشاورزی و پرورش حیوانات، اختصاص یافته است. در طول سال، کشاورزان، مواد غذایی و نیز موادّی مانند پشم و کائوچو تولید می‌کنند. امروز هم مزارع بزرگِ مکانیزه شده و هم، مزارع کوچکی که خانواده‌ها با روش سنّتی از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند، وجود دارند و هر دو گروه نیز در حال گسترش هستند.



Farm animals حیوانات مزرعه

جوجه‌غاز
gosling

یک دسته غاز در حال سر و صدا کردن
a gaggle of geese honking

پوشش پشمی
woolly coat

لاما در حال خُرخُر کردن
a llama snorting

خورجین
pannier

الاغ در حال عرعر کردن
a donkey braying

herdsman چوپان
calf گوساله

یک گله‌ی گاو در حال ماغ کشیدن (ماما کردن)
a herd of cattle lowing

کارگر مزرعه
farm hand

محلول ضد عفونی کردن گوسفندان
sheep dip

سگ گله
sheep dog

یک گله گوسفند در حال بع بع کردن
a flock of sheep bleating

comb تاج

غبغب
wattle

جوجه‌خروس در حال خواندن
a cockerel crowing

شاخ‌ها
horns

بُز ماده
nanny goat

ریش
beard

بزغاله
kid

دو بُز در حال مَع مَع کردن
two goats bleating

Planting rice in a paddy field کاشت برنج در مزرعه‌ی برنج (شالیزار)

کَرت برنج
rice terrace

حوض آبیاری
irrigation pit

نشاء های برنج
rice seedlings

کارگر مزرعه
farm worker

Farm produce محصول مزرعه

تخم‌مرغ
egg

پنیر
cheese

کره
butter

فرآورده‌های لبنی
dairy foods

هویج (زردک)
carrot

سیب‌زمینی شیرین
sweet potato

radish تُربچه

سبزی‌های ریشه‌ای
root vegetables

جو
barley

گندم سیاه
rye

جو دو سر
oats

cereals غلاّت

grapefruit گریپ فروت

لیموترش (بزرگ)
lemon

پرتقال
orange

لیموترش (کوچک)
lime

citrus fruit مُرکّبات

ماشین شخم‌زنی (تیلر)
furrow press

roller غَلتک

خاک شخم خورده
furrowed earth

سفر زمینی

در خشکی، وســایل نقلیه‌ی گوناگون، مردم و کالاها را از جایی به جای دیگر منتقل می‌کنند. بعضی از این وسایل با اســتفاده از نیروی انسان یا حیوان و بعضی دیگر با نیرویی که از سوختن سوخت‌های شیمیایی، در موتورشان حاصل می‌شود، حرکت می‌کنند.



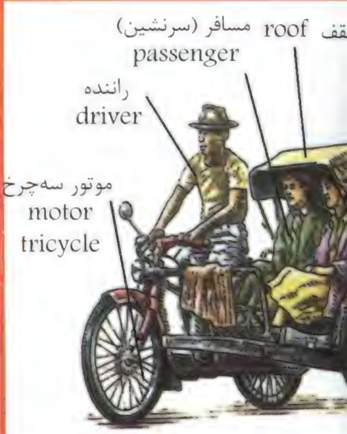
transport on the roads



a motorbike موتورسیکلت



motoring in a stretch limousine راندن اتومبیل لیموزین تشریفات



سواری با موتور سه‌چرخ
riding in a trishaw



با سرعت راندن اتومبیل اسپورت (کورسی)
speeding along in a sports car

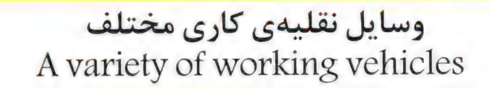


a jeep ماشین جیپ



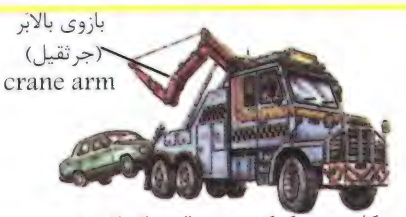
a coach اتوبوس مسافربَری

وسایل نقلیه‌ی کاری مختلف
A variety of working vehicles




کامیون نقّاله در حال حمل کردن ماشین‌ها
a transporter lorry carrying cars


اتوبوس مسافربَری در حال سفر کردن
a coach travelling




کامیون یدک‌کش در حال یدک کشیدن
a breakdown truck towing



کامیون تانکر در حال حمل سوخت
a tanker lorry transporting fuel

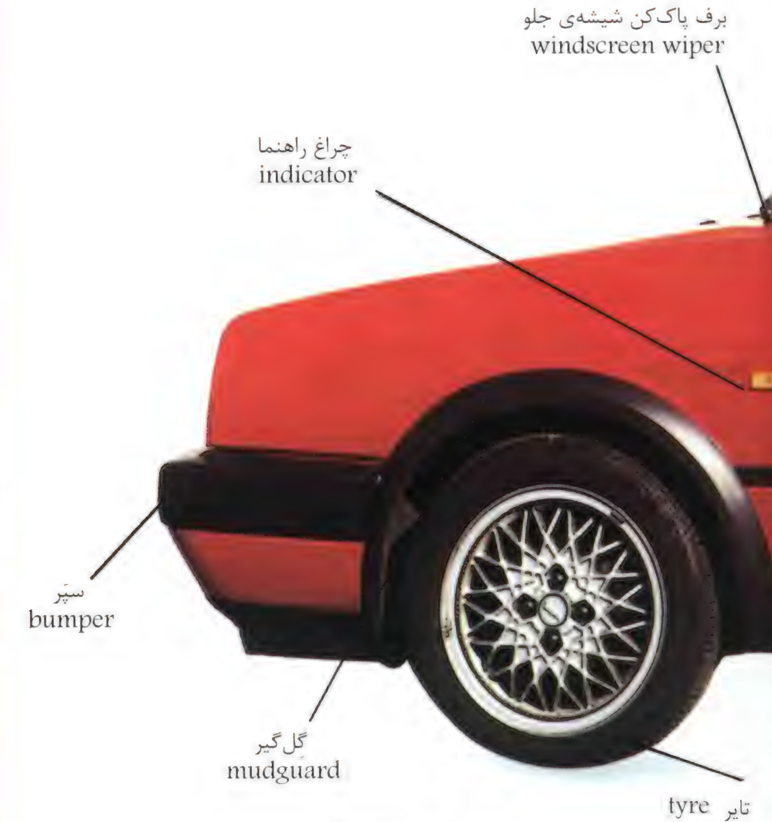


بارگیری کامیون
loading a lorry


ماشین باری کوچک (وانت) در حال حمل بار
a van delivering



تاکسی کرایه‌ای
a taxi cab for hire



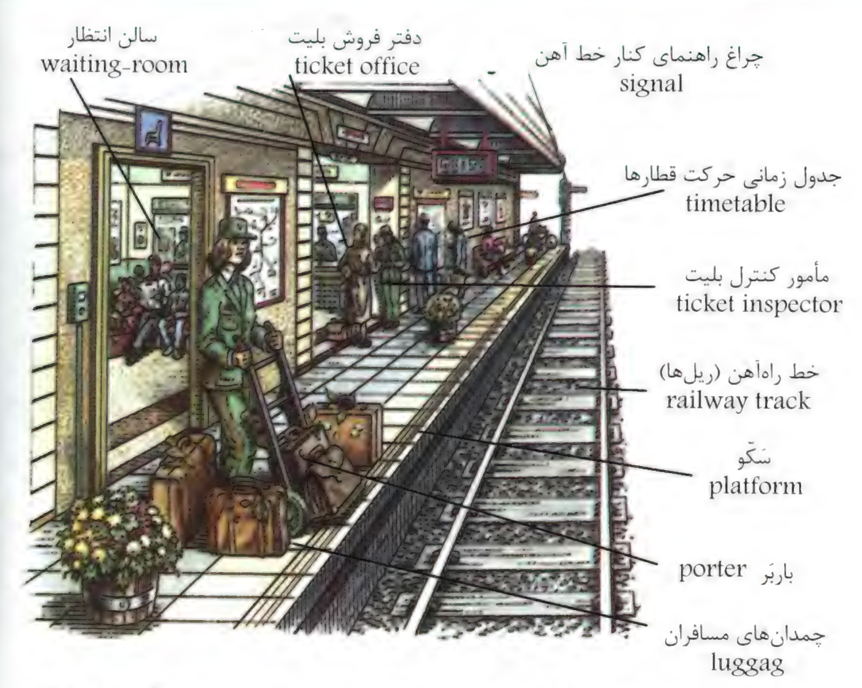
wheel چرخ

A traffic jam راه‌بندان

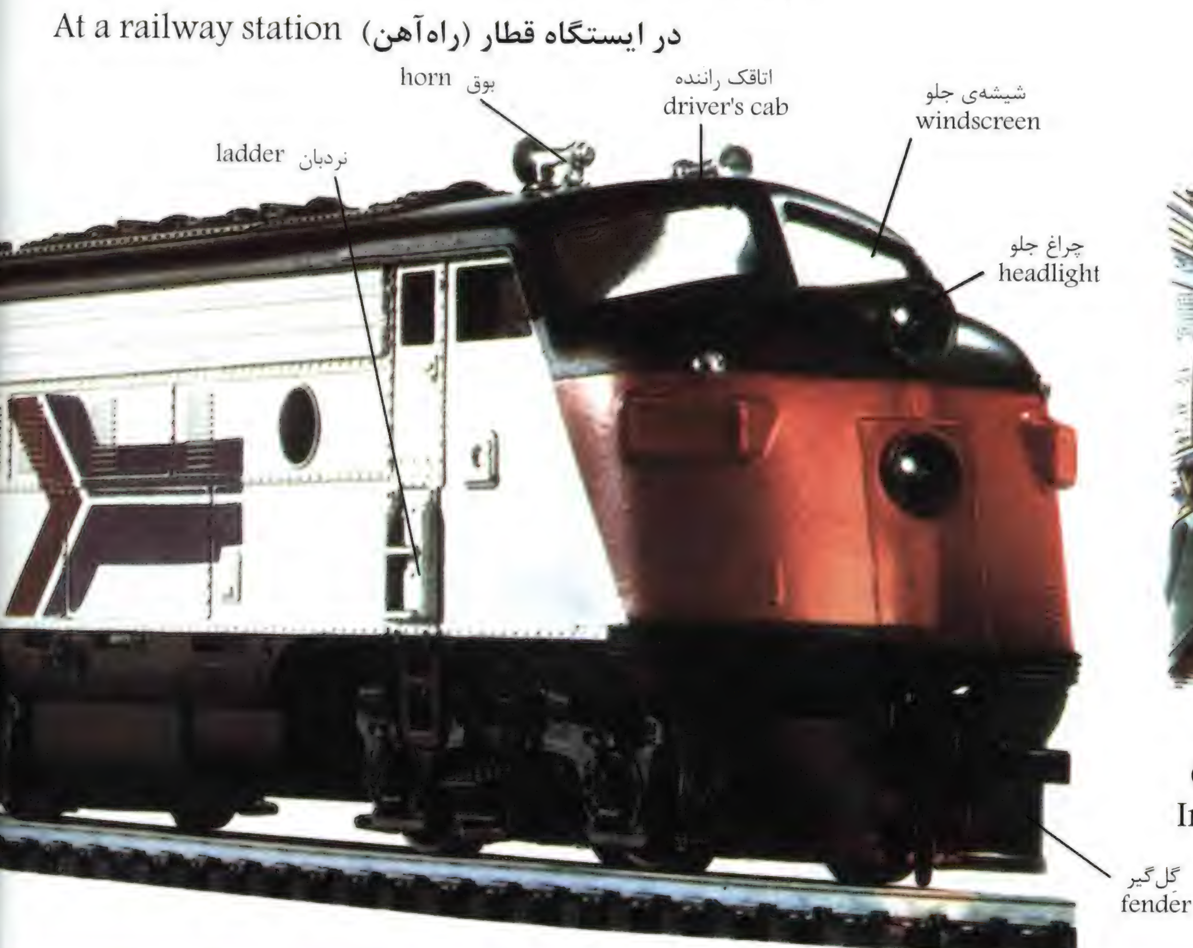


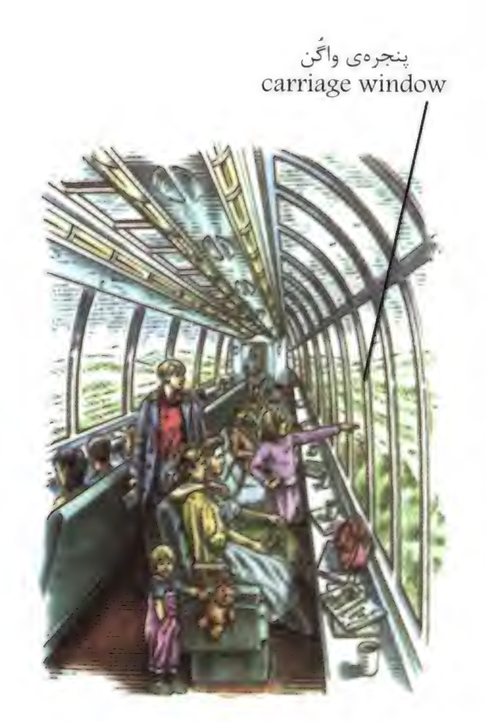
سفر با قطار

بسیاری از مردم، برای سفر کردن و نقل مکان سـریع از جایی به جای دیگر، از قطار استفاده می‌کنند و نیز این وسیله، برای بارگیری بارهای سنگین به‌کار می‌رود. در زمان‌های دور، قطارها با نیروی بخار حرکت می‌کردند؛ امّا امروز خیلی از آن‌ها با نیروی دیزل یا برق که در خطوط آهن یا کابل‌های هوایی جریان دارد، کار می‌کنند.



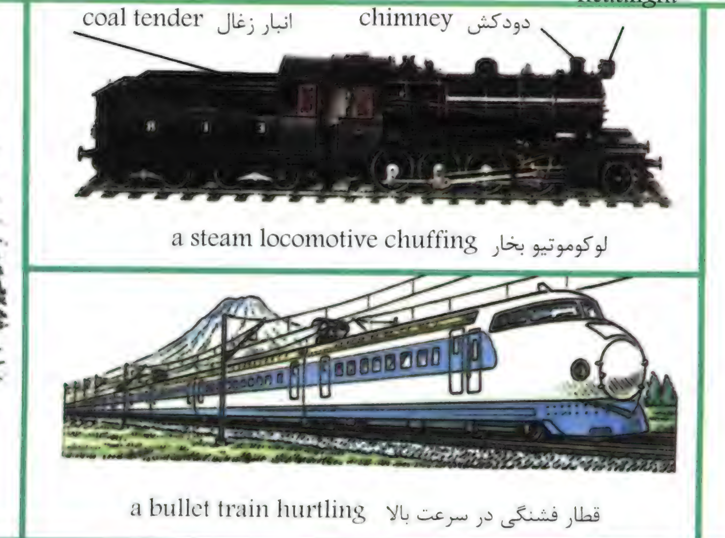
At a railway station (راه‌آهن) **در ایستگاه قطار**





درون واگن تماشا (سیاحتی)
Inside an observation car

قطارهای مختلف



a steam locomotive chuffing لوکوموتیو بخار

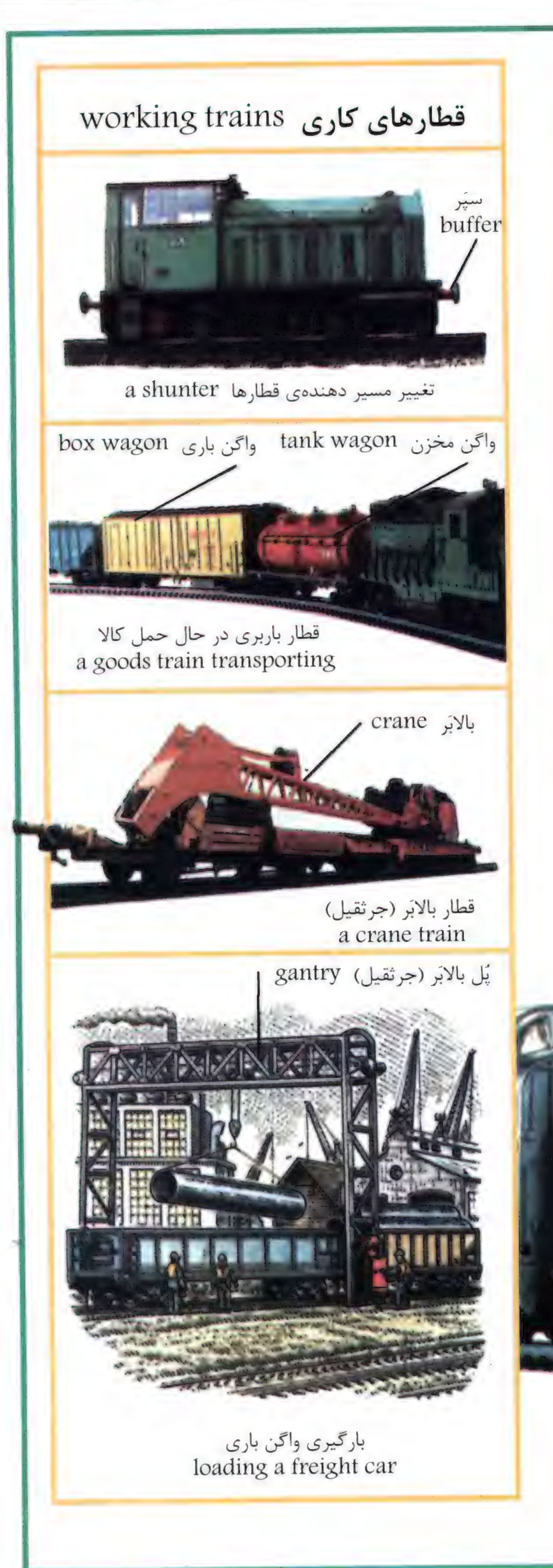
a bullet train hurtling قطار فشنگی در سرعت بالا



موتور قطار دیزلی
a diesel train engine



قطار برقی در حال حرکت سریع
an electric train speeding



Trains in the city قطارهای شهری

تراموای شهری
a city tram

raised track خط آهن هوایی

ترن هوایی مغناطیسی
a magnetic levitation train

قطار زیرزمینی (مترو)
underground train

commuter مسافر

coupling اتّصال واگن‌ها

carriage واگن

steel rail ریل فولادی

a monorail راه‌آهن تک‌ریلی

rubber tyre چرخ لاستیکی

واگن تماشا (سیاحتی)
observation car

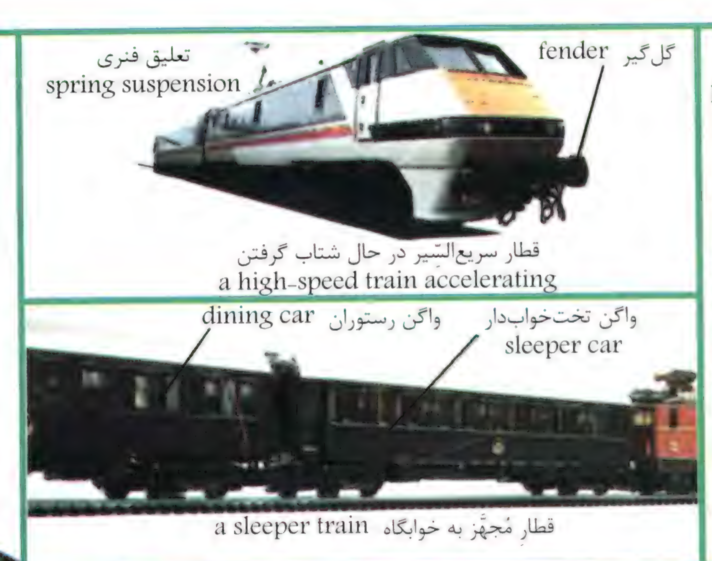
A passenger train قطار مسافربَری

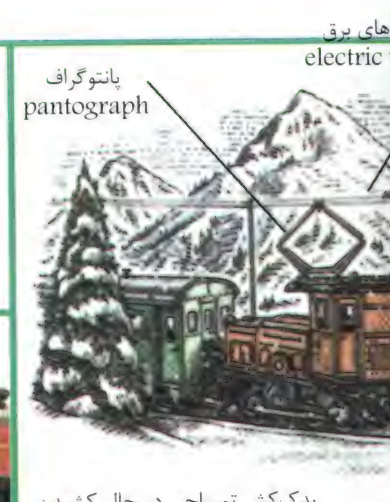
خط راه‌آهن (ریل)
track

wheel چرخ

A variety of trains

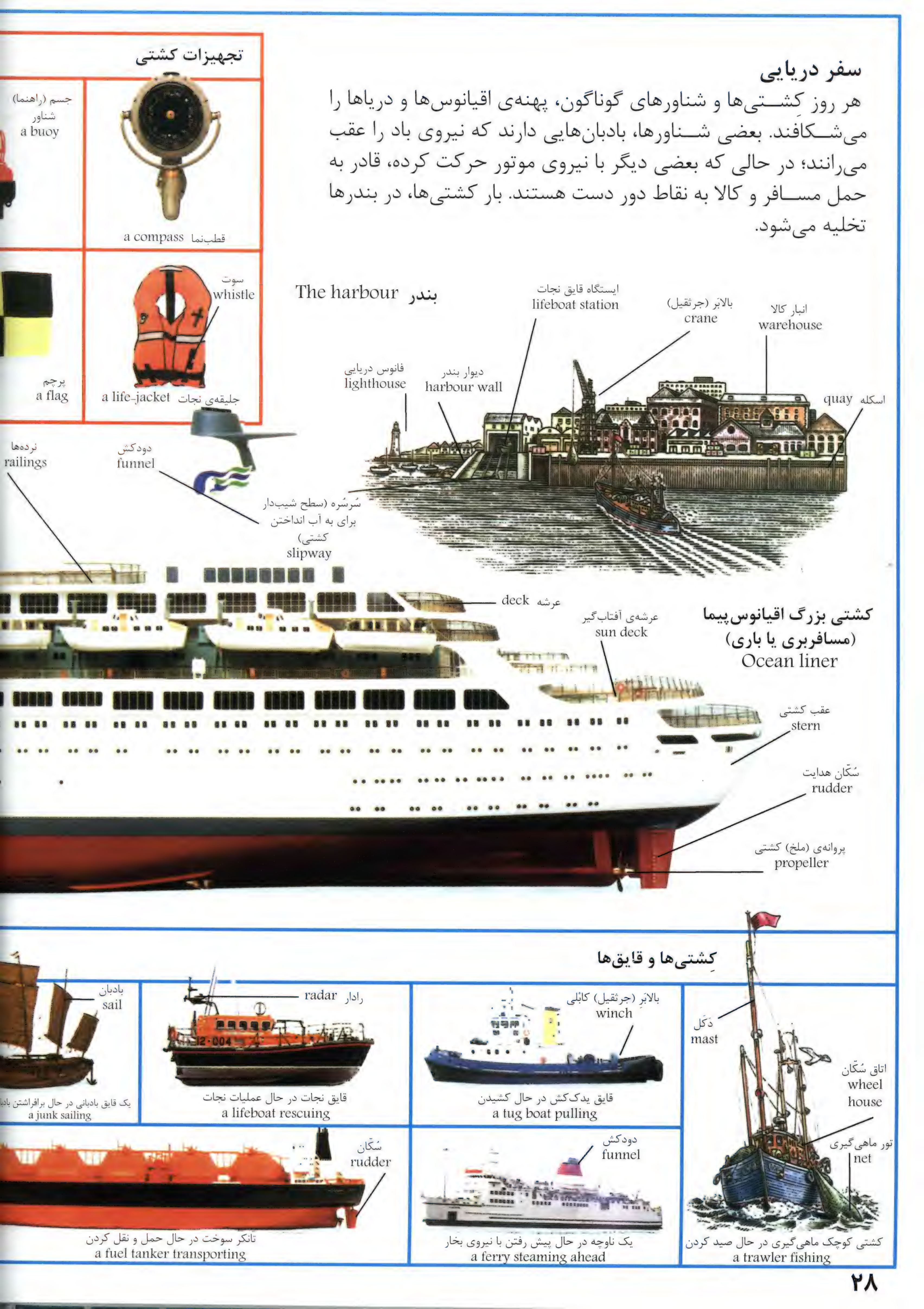






سفر دریایی

هر روز کِشتی‌ها و شناورهای گوناگون، پهنه‌ی اقیانوس‌ها و دریاها را می‌شکافند. بعضی شناورها، بادبان‌هایی دارند که نیروی باد را عقب می‌رانند؛ در حالی که بعضی دیگر با نیروی موتور حرکت کرده، قادر به حمل مسافر و کالا به نقاط دور دست هستند. بار کشتی‌ها، در بندرها تخلیه می‌شود.



on board ship سوار بر کشتی

سُکان‌دار helmsman

ناخدا captain

on the bridge درکابین فرماندهی

bunk bed تخت‌خواب کشتی

پنجره‌ی کشتی porthole

in the cabin درْ خوابگاه کشتی

Ship's equipment

a sextant زاویه‌یاب

سُکان a steering wheel

an anchor لنگر

ریسمان rope

a life-buoy حلقه‌ی نجات

radar mast دَکل رادار

قایق نجات life boat

کابین فرماندهی bridge

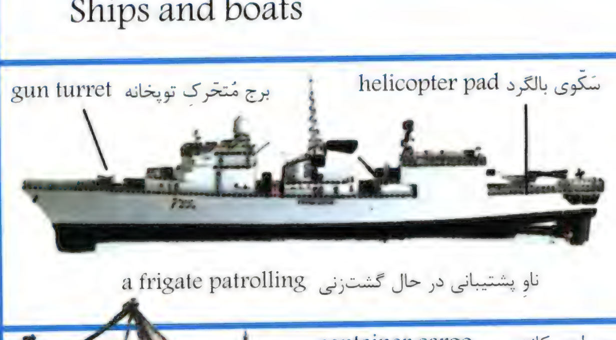
پنجره‌ی کشتی porthole

سینه‌ی کشتی bow

anchor لنگر

بدنه‌ی کشتی hull

Ships and boats



a frigate patrolling ناوِ پشتیبانی در حال گشت‌زنی



قایق پارویی اندونزیایی در حال شناور شدن
an Indonesian canoe floating

بادبان اصلی mainsail

بادبان پیچشی spinnaker

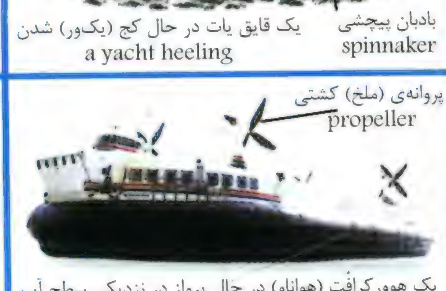
یک قایق یات در حال کج (یک‌ور) شدن
a yacht heeling



کشتی کانتینربَر در حال تخلیه‌ی بار
a container ship unloading



زیردریایی در حال فرو رفتن در آب
a submarine diving



یک هوورکرافت (هواناو) در حال پرواز در نزدیکی سطح آب
a hovercraft skimming

a stunt aeroplane هواپیمای نمایش اکروباتیک

سفر هوایی

در ۱۹۰۳ میلادی، برادران رایت برای اوّلین بار در تاریخ بشر با موفّقیت با هواپیما پرواز کردند. از آن زمان، پرواز، پیمودن سریع مسافت‌های طولانی را برای انسان ممکن ساخته است. امروز انواع هواپیما برای حمل و نقل انسان و بار، انجام کار یا تفریح، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

دنباله‌ای از دود رنگی
coloured smoke trail

تیم نمایش هوایی اکروباتیک
An acrobatic air display team

بال عقب
tail fin

پنجره‌ی مسافر
passenger window

کابین
cockpit

شیشه‌ی جلو
windscreen

nose دماغه

propeller ملخ

چرخ فرود
landing wheel

A light aircraft **هواپیمای سبک**

Insside a jet plane درون هواپیمای جت

خروج اضطراری
emergency exit

luggage locker جای قفل‌دار چمدان‌ها

خانم مهمان‌دار
stewardess

پنجره
window

چرخ دستی غذا
food trolley

راهرو
aisle

آقای مهمان‌دار
steward

کلیدهای کنترل صندلی
seat controls

صندلی قابل خواباندن
reclining seat

Passenger planes هواپیماهای مسافربری

سطح دُم
tailplane

درب مخصوص مسافران
a passenger door

window پنجره

موتور جت توربوفن
turbofan jet engine

undercarriage چرخ‌ها پایه‌های فرود

چرخ فرود
landing wheel

a passenger airliner هواپیمای مسافربری

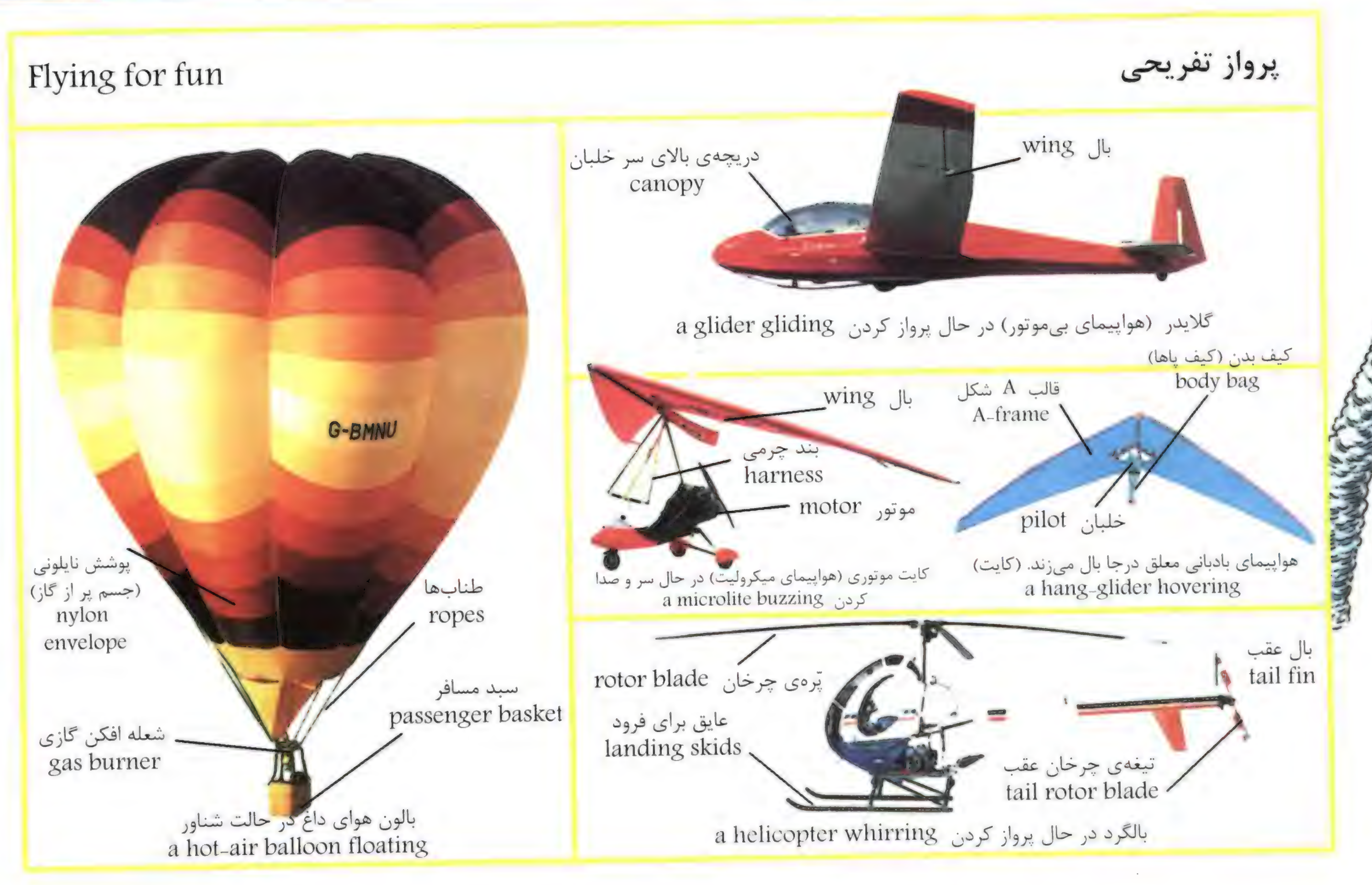
swept-back wing بال عقب رفته

nose دماغه

بدنه‌ی هواپیما
fuselage

شکل آیرودینامیکی
aerodynamic shape

a supersonic jet plane هواپیمای جت مافوق صوت



Working planes

هواپیماهای کاری

propeller ملخ

هواپیمای آتش‌نشانی
a fire observation Plane

tail wheel چرخ عقب

step پله

بالگرد نجات دریایی
a sea rescue helicopter

لفاف (بدنه‌ی پر از گاز)
envelope gas-filled body

tail fin بال عقب

سرنشینان کابین
gondola

an airship کِشتی هوایی

pilot خلبان

سکّان
rudder

a biplane هواپیمای دو باله

مخروط دماغه
nose cone

کابین خلبان
cockpit

موشک
missile

جت جنگنده
a jet fighter

tail fin بال عقب

wing بال

هواپیمای دریایی
a seaplane

کرجی زیر هواپیمای دریایی
pontoon

تایر پنوماتیک بادی
pneumatic tyre

پروانه‌ی (ملخ) هواپیما
propeller

a crop-duster هواپیمای سم‌پاش

نوک بال
wing tip

wing بال

هواپیما در حال بلند شدن از زمین
a plane taking off

برج مراقبت
control tower

باند فرودگاه
runway

پایانه‌ی پرواز (ترمینال)
departure terminal

هواپیما به حرکت در می‌آید
a plane taxiing

...ن متحرک
mobile s...

وسیله‌ی حمل و نقل بارهای مسافران
baggage carrier

At the airport در فرودگاه

پستان‌داران

پســتان‌داران، حیواناتــی خون‌گرم و بچه‌زا هســتند؛ از بچه‌های خــود نگهداری و با شــیرخود آن‌هــا را تغذیه می‌کنند. پستان‌داران با شُش تنفس می‌نمایند و معمولاً بدنشان با مو یا کرک پوشیده شده است. آن‌ها مخلوقاتی باهوش هستند و مغز بزرگی دارند.

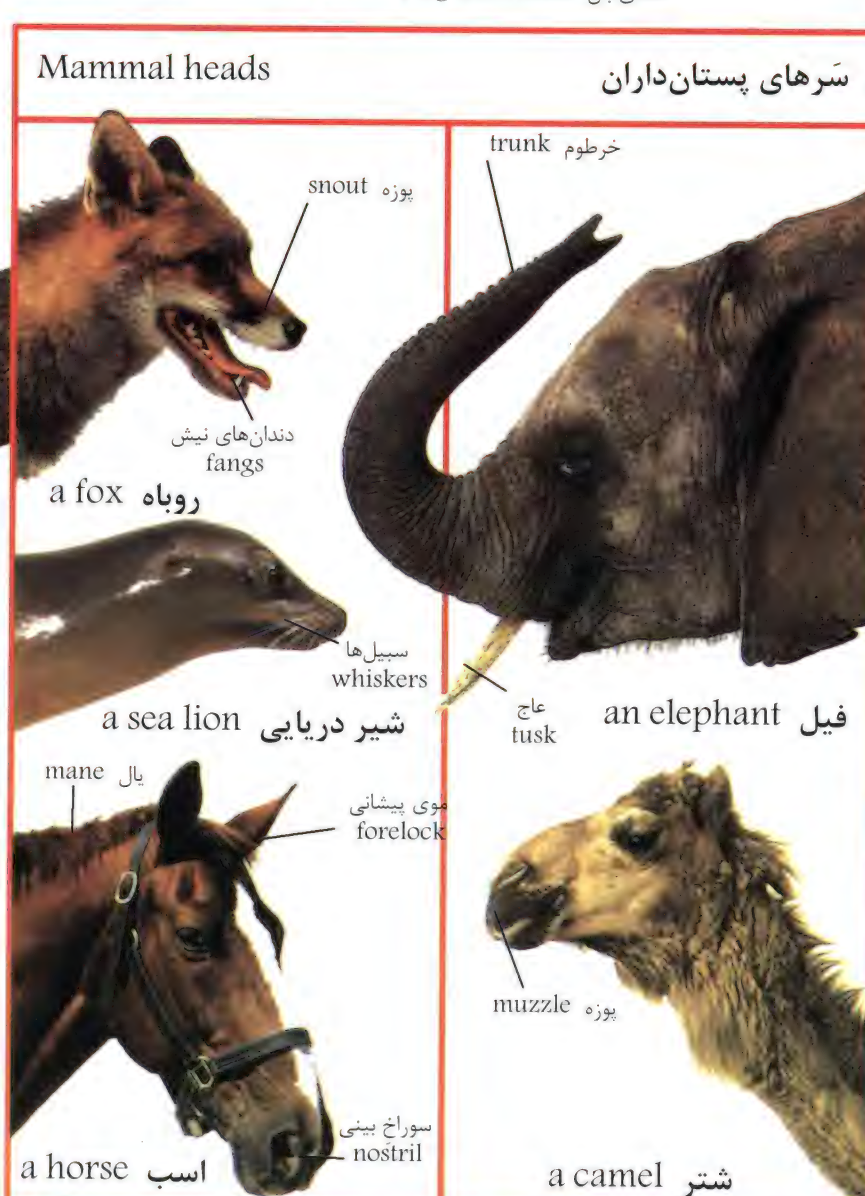


A macaque monkey یک میمون ماکاک



A bat خفّاش

Mammal heads سَرهای پستان‌داران



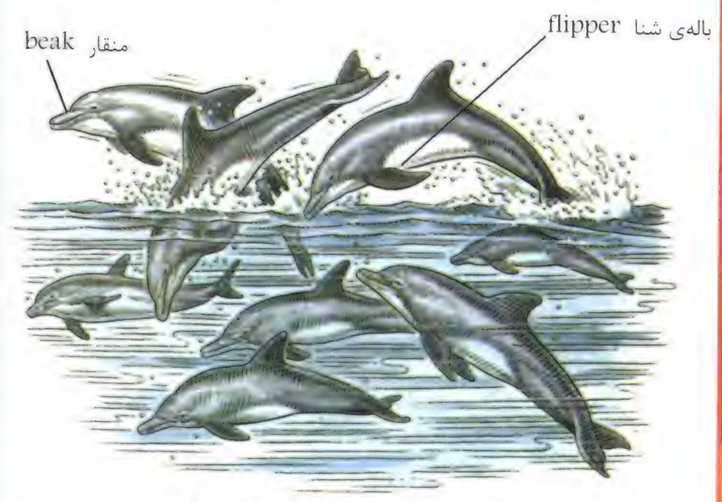
a fox روباه

a sea lion شیر دریایی

an elephant فیل

a horse اسب

a camel شتر



A school of dolphins گله‌ی دُلفین


Mammal coverings
پوشش‌های پستان‌داران
پوشش خال‌دار
spotted coat
hoof سُم
بچه‌آهو در حال آهسته دویدن
a fawn trotting
striped fur for camouflage پوست راه‌راه برای استتار
ببر در حال گام برداشتن مغرورانه
a tiger stalking
sharp quills تیغ‌های تیز
خارپشت (جوجه‌تیغی) در حال دویدن با گام‌های کوتاه
a porcupine scurrying
three toes پنجه‌ی سه انگشتی پا
تنبل در حالت آویزان
a sloth hanging
موی دَرهم
shaggy hair
زرّافه‌ی مادر
mother giraffe
پوست خال‌خالی
dappled skin
calf بچه‌زرّافه
بچه‌زرّافه در حال شیر خوردن
a giraffe calf suckling
پوست زمخت چرمی
tough, leathery hide
horn شاخ
کرگدن در حال نشخوار کردن
a rhinoceros chewing
sarmour plates صفحه‌های زرهی
موهای زبر
bristles
آرمادیلو در حال شکار کردن
an armadillo hunting
mane یال
lion شیر نر
بچه‌شیر
A pride of lions یک گروه شیر
پوشش خزدار
furry coat
leg پا
tail دُم
Mammal homes خانه‌های پستان‌داران
تونل
tunnel
nest لانه
موش کورهای نوزاد
baby moles
موش کور در لانه‌ی زیر زمینی‌اش
a mole in its underground burrow
علف خشک
dried grass
پرها
feathers
شاخه‌ها
branches
سنجاب در لانه‌اش
a squirrel in its drey

خزندگان

خزنـدگان، جانورانی خون‌سـرد و دارای پوسـت‌پولکی هستند. گروهی از آن‌ها در آب و گروهی دیگر در خشکی زندگی می‌کنند. بیش‌تر خزندگان در مناطق گرمسیری زیسته، برای حرکت از انرژی خورشیدی بهره می‌گیرند.



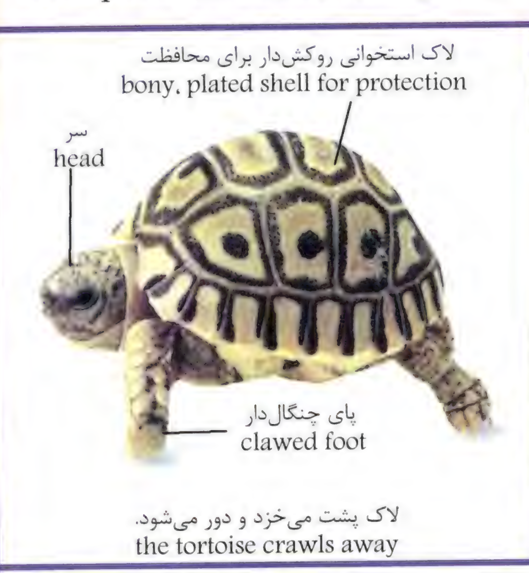
A leopard tortoise hatching لاک‌پشت پلنگی در حال بیرون آمدن از تخم



لاک‌پشت، سوراخی در پوسته‌اش ایجاد می‌کند
a tortoise chips a hole in its shell



لاک‌پشت برای خارج شدن از تخم تلاش می‌کند.
the tortoise struggles out of the egg



لاک پشت می‌خزد و دور می‌شود.
the tortoise crawls away

A variety of snakes مارهای مختلف



مار شیری در حال خزیدن
a milk snake slithering

مار غلّات در حال پیچ و تاب خوردن
a corn snake writhing

مار خُرد کننده بوآ (اژدرمار)
a boa constrictor

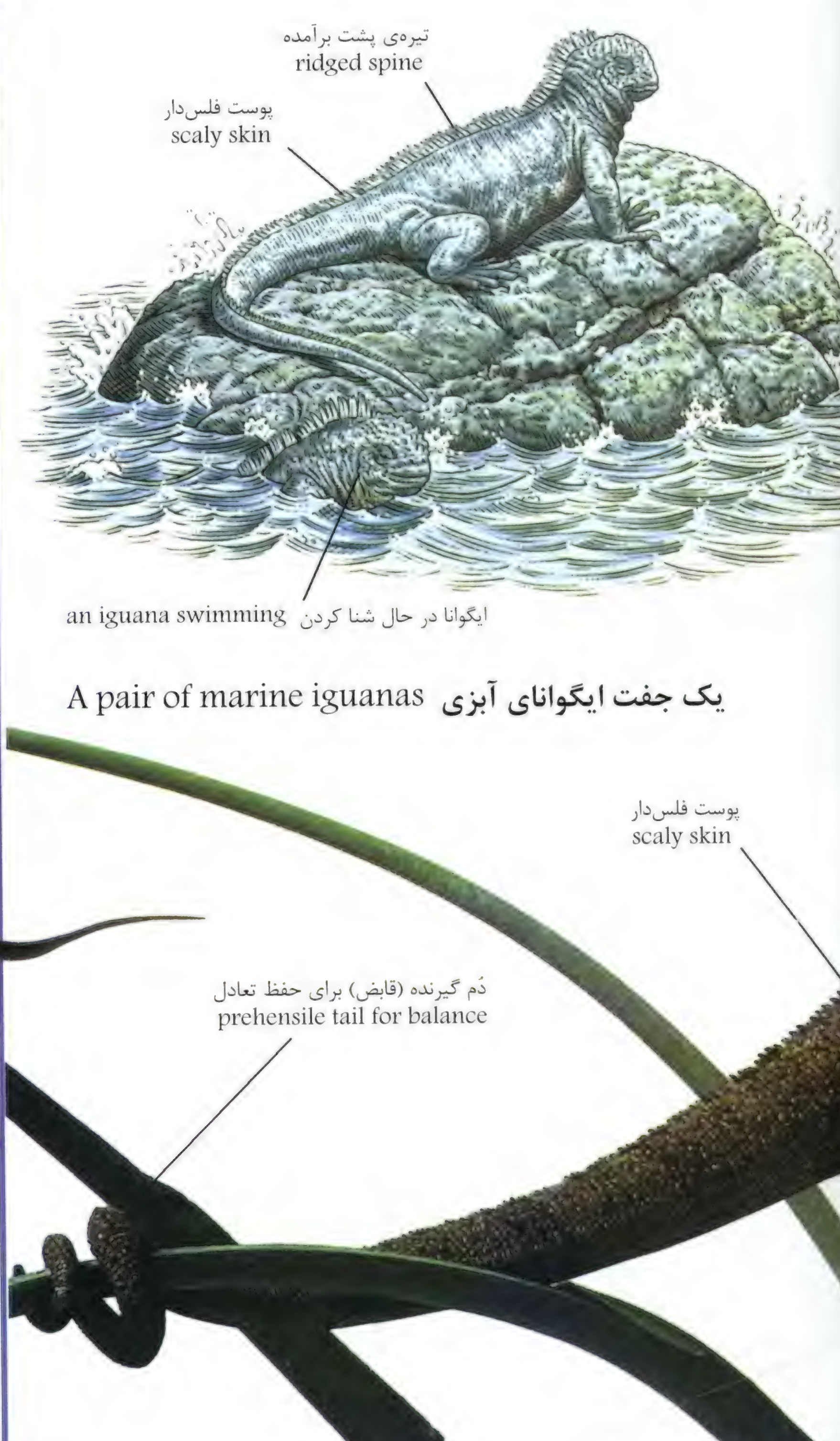
a grass snake مار علفزار

مار درخت انگور در حال شکار کردن
a vine snake hunting

مار کُبرا در حال هیس‌هیس کردن
a cobra hissing

مار تخم‌خوار آفریقایی در حال بلعیدن
an African egg-eating snake swallowing

an iguana basking in the sun ایگوانا در حال گرم کردن خود در آفتاب



پرندگان

انواع پرندگان، شکل‌ها و اندازه‌های مختلفی دارند. تقریباً همه‌ی آن‌ها بال‌دار هستند، ولی بعضی قادر به پرواز نیستند. از میان مخلوقات خداوند، تنها پرندگان، پَر دارند؛ هم‌چنین آن‌ها دارای منقار هستند و تخم می‌گذارند.

طوطی پیشانی‌قرمز
A red-fronted parrot

head سر
eye چشم
سوراخ (مجرای) بینی
nostril
منقار قُلّاب‌مانند
hooked beak
پُشت گردن
nape
سینه
breast
belly شکم
leg ساق پا
ankle مچ پا
foot پا
toe انگشت پا
claw چنگال

Beaks — منقارها (نوک‌ها)

منقار پهن
flat bill
اُردک خشکی
a shelduck

منقار خمیده
curved beak
a toucan توکان

منقار
قُلّاب‌مانند
hooked
beak
عقاب سلطنتی
an imperial eagle

منقار بلند با یک کیسه‌ی قابل ارتجاع
long beak with a
stretchy pouch
پلیکان (مرغ ماهی‌خوار)
a pelican

نوک کوتاه و کلفت
short, thick
beak
سهره‌ی طلایی
a goldfinch

منقار خمیده
curved bill
فلامینگو
a flamingo

Growing up — بزرگ شدن



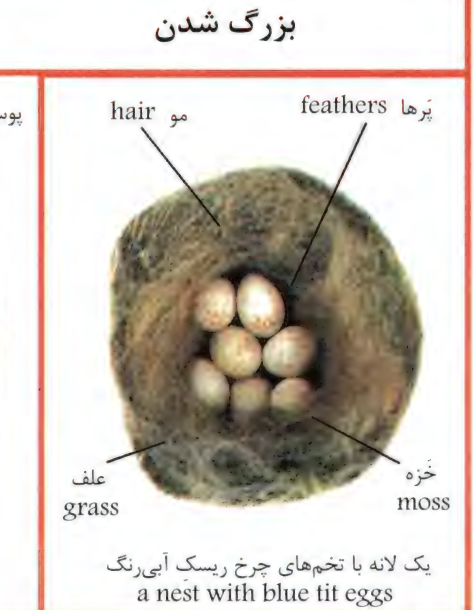


جوجه‌های تازه‌پرواز
fledglings

جوجه‌های تازه پَر در آورده
young nestlings



جوجه‌های سر از تخم درآورده
hatchlings



یک لانه با تخم‌های چرخ ریسک آبی‌رنگ
a nest with blue tit eggs



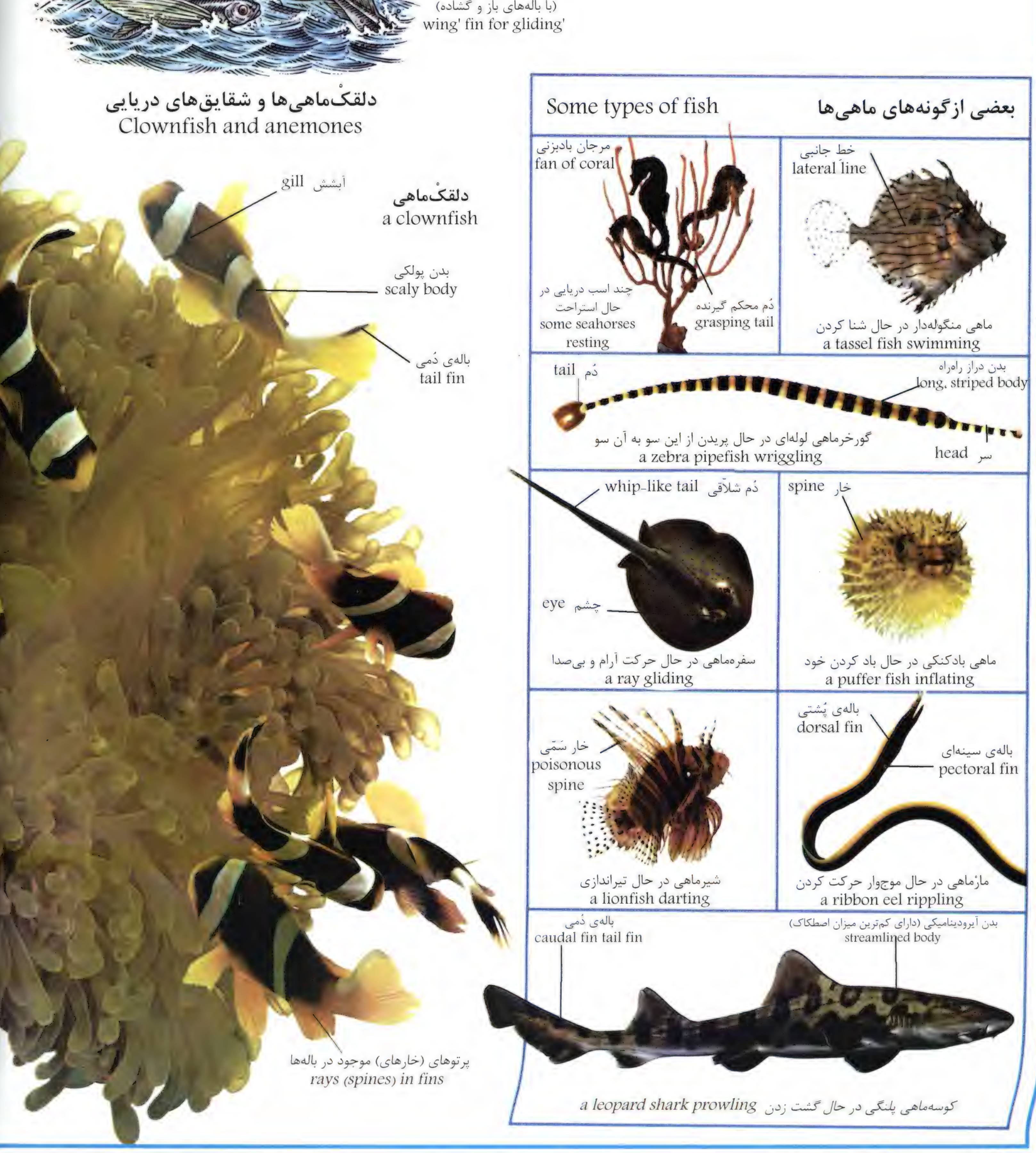
A variety of birds تنوع پرندگان
منقار تیز
sharp beak
کیوی در حال شکار کردن
a kiwi hunting
پَر بال
wing feather
یک جغد در حال فرود سریع
an owl swooping
چنگال‌ها
talons
منقار
beak
claws چنگال‌ها
طوطی‌های لوری‌کیت در حال
تمیز کردن بال و پر خود با منقار
lorikeets preening
tail دُم
منقار شهد نوش
nectar
drinking beak
مرغ مگس‌خوار در حال بال زدن درجا
a hummingbird hovering
comb تاج
تخم
egg
مرغ در حالت خوابیده روی تخم‌ها
a hen nesting
گروه غازها در حال
مهاجرت کردن
a skein of geese
migrating
گردن دراز
long neck
زانو
knee
پای پرده‌دار
webbed foot
فلامینگو در حال به آب زدن
a flamingo wading
سُهره‌ی ژاپنی در حالت نشسته
روی بلندی
a japanese grosbeak
finch perching
fanned tail دُمی که به‌شکل بادبزن باز شده
طاووس در حال
نمایش دادن
a peacock
displaying
کبوتر آبی‌رنگ در حال پرواز
a blue pigeon flying
دُم بادبزنی
fantail
پَرهای طوطی ماکائو
Macaw feathers
پَرهای کُرکی نرم
soft down feathers
میله‌ی نازک وسط پَر
shaft
barb نرمه‌ی پَر
quill ساقه‌ی توخالی پَر
پَرهای بدن
body feathers
a flight feather پَر پرواز
wing بال
tail دُم
پرهای ضد آب
waterproof
feathers
باله‌ی شنا
flipper
iceberg
A group of penguins یک دسته‌ی پنگوئن

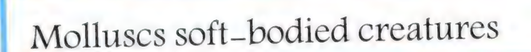
جانوران دریایی

بســیاری از آفریدگان جهــان، در دریاها و اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند. بیش‌تر جانوران دریایی با آب‌شــش تنفس می‌کنند؛ ولی بعضی از ماهی‌ها شش هم دارند. ماهی‌ها بزرگ‌تریــن گروه جانوران دریاهای شــور را تشــکیل می‌دهند. عدّه‌ی زیــادی از موجودات آب‌زی نیز روی صخره‌ها یا در سواحل زندگی می‌کنند.

A shoal of flying fish گله‌ای از ماهیان پرنده

باله، بالی برای پرواز کردن
(با باله‌های باز و گشاده)
wing' fin for gliding'



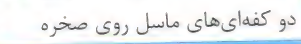


Molluscs soft-bodied creatures جانوران نرم‌تن



a big blue clam دو کفه‌ای آبی‌رنگ بزرگ





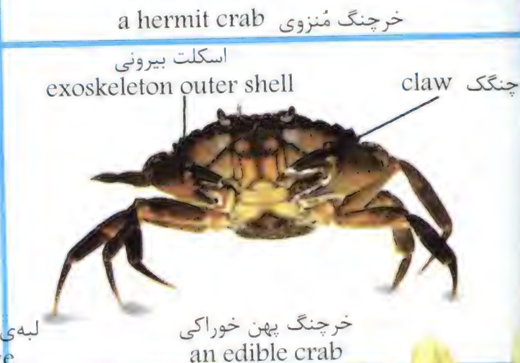
mussels on a rock دو کفه‌ای‌های ماسل روی صخره

a hermit crab خرچنگ مُنزوی



an octopus اُختاپوس (هشت پا)





خرچنگ پهن خوراکی
an edible crab

Surprising sea creatures مخلوقات دریایی شگفت‌انگیز



عروس دریایی در حال رانده شدن به این سو و آن سو
a jellyfish drifting



ستاره‌ی دریایی در حال راه رفتن
a starfish walking



خیار دریایی در حال خزیدن
a sea cucumber crawling



توتیای دریایی
a sea urchin

میگوی توت‌فرنگی در حال بالا رفتن
a strawberry shrimp climbing

a lobster شاه‌میگو



شقایق دریایی
sea anemone

a deep-sea angler fish قورباغه‌ماهی (آنجل) اعماق دریا

زندگی در باتلاق‌ها و رودخانه‌ها

گروهی از جانوران، خانه‌های خود را در باتلاق‌ها و رودخانه‌ها، یا در کناره‌ی آن‌ها می‌سازند. اغلب آنان شناگر هستند و در آب شکار می‌کنند. در کنار رودخانه‌ها و در آب‌های پُر گِل و لای باتلاق‌ها، گیاهان مختلفی می‌روید.

سگ‌های آبی در حال ساختن سد روی رودخانه
Beavers constructing a dam on a river

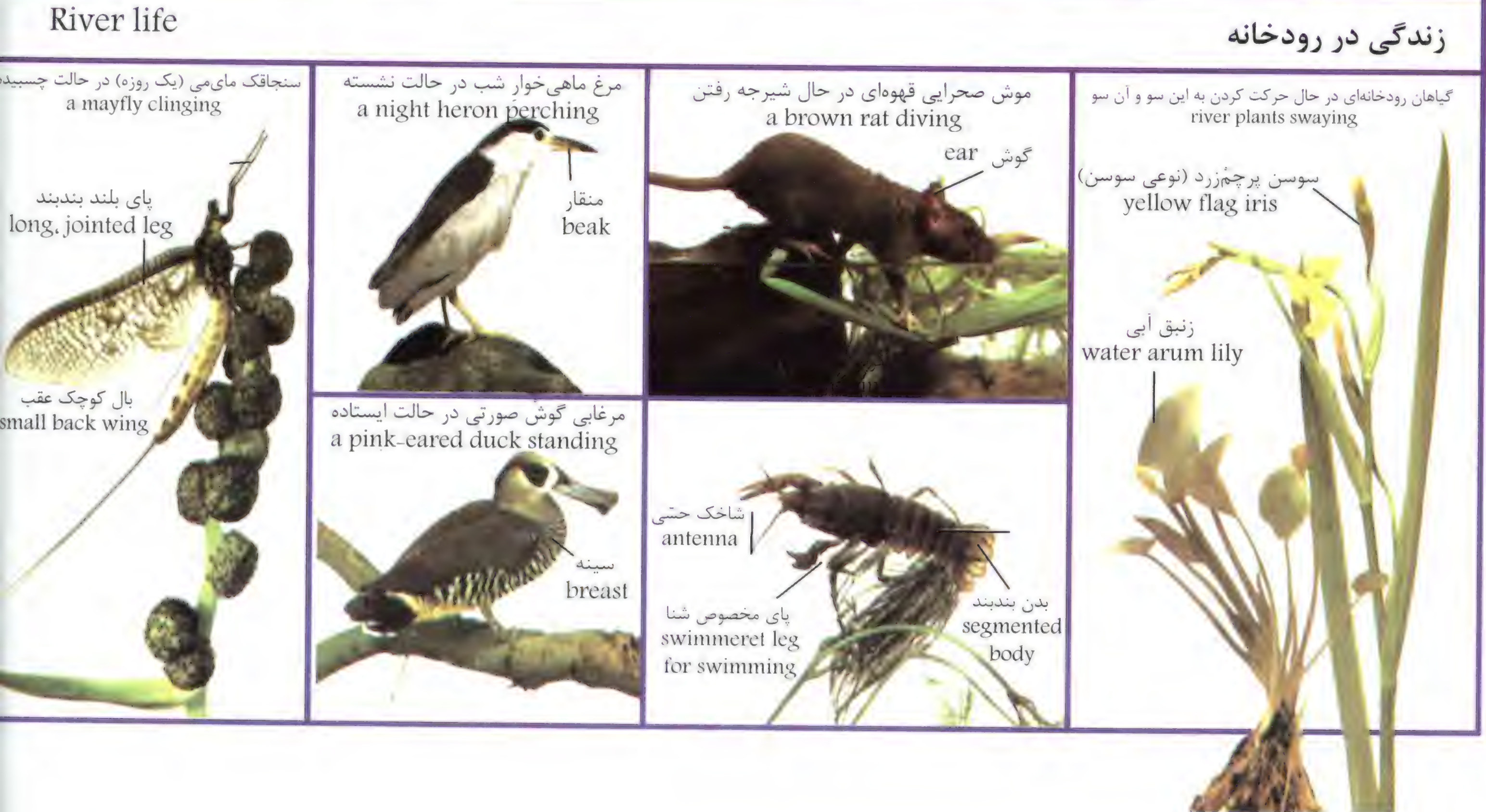
دندان‌های قوی برای جویدن
strong teeth for gnawing
شاخه‌ها و تنه‌های درختان
tree trunks and branches
دُم بزرگ و پَهن
large, flat tail
بدن پُر مو
hairy body

سوسمار کای‌من در مرداب A caiman in a swamp

پای عقب
hind leg
بدن فلس‌دار
scaly body
ear گوش
چشم شکاف‌دار
eye with a slit
سوراخ بینی
nostril
jaws فَک‌ها
دندان‌های تیز
sharp teeth

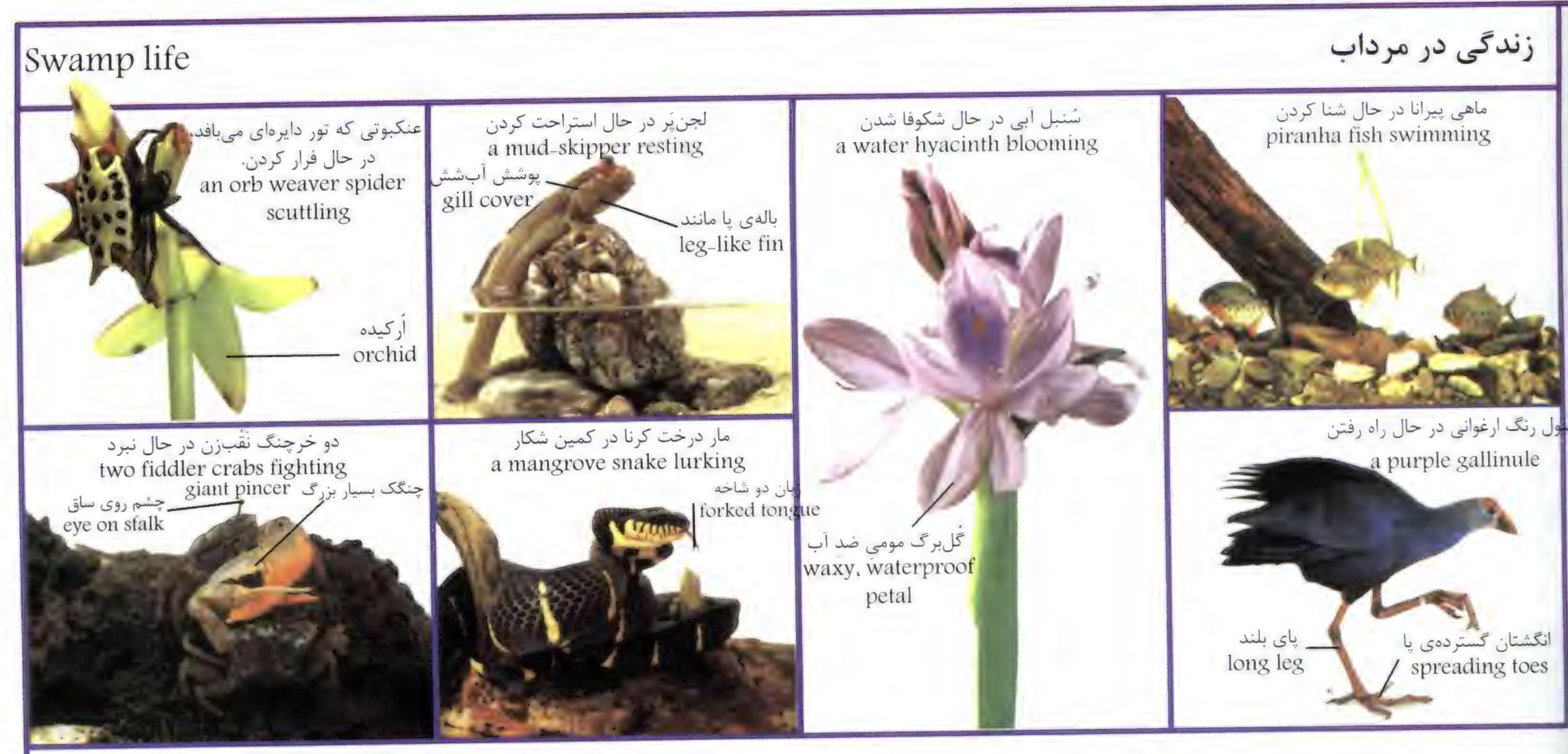
زندگی در رودخانه

River life



Swamp life

زندگی در مرداب



The life-cycle of a trout — دوره‌ی زندگی ماهی قزل‌آلا

بدن شفّاف
transparent body

eye چشم

کیسه‌ی پر از زرده
full yolk sac

پوسته‌ی نرم تخم
soft egg shell

تخم قزل‌آلا
a trout egg

an alevin a baby trout **نوزاد قزل‌آلا**

کیسه‌ی زرده‌ی در حال جذب شدن
shrinking yolk sac

نوارهای سیاه
black stripes

قزل‌آلای بسیار جوان
a very young trout

a parr a young trout **قزل‌آلای جوان**

gill آب‌شش

پرتو رنگین‌کمانی در امتداد بدن
rainbow-coloured bar along the body

پوست خال‌خالی
speckled skin

ماهی قزل‌آلای رنگین‌کمانی بالغ
an adult rainbow trout

دُم قوی عضلانی
strong, muscular tail

دُم کوتاه و پهن
short, wide tail

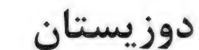
موی بَراق و کوتاه
sleek, short fur

a frog **قورباغه**

منقار سفت اُردکی
leathery, duck-like bill

webbed f

A platypus in a river **پلاتی‌پوس در رودخانه**



دوزیستان

همه‌ی دوزیستان، زندگی خود را در آب آغاز می‌کنند و پس از کامل شدن رشد، برای ادامه‌ی زندگی به خشکی می‌روند. تمام دوزیســتان نابالغ، با آب‌شش و بیش‌تر دوزیستان بالغ، با شش تنفس می‌کنند.



قورباغه‌ی درختی چشمْ قرمز
A red-eyed tree frog

پوست سبز رنگ برای استتار
green skin for camouflage

پای قوی عقب برای پریدن
powerful hind leg for leaping

پای دارای لایه‌های چسبناک برای محکم گرفتن
foot with sticky pads for gripping

A newt سَمَندر آبی

دست چهار انگشتی
hand with four fingers

پوست طرح‌دار
patterned skin

eye چشم

پای پنج‌انگشتی
foot with five toes

tail دُم

سَمَندر آبی مرمری
a marbled newt

A salamander سَمَندر خشکی

دُم خمیده برای حفظ تعادل
tail curved for balance

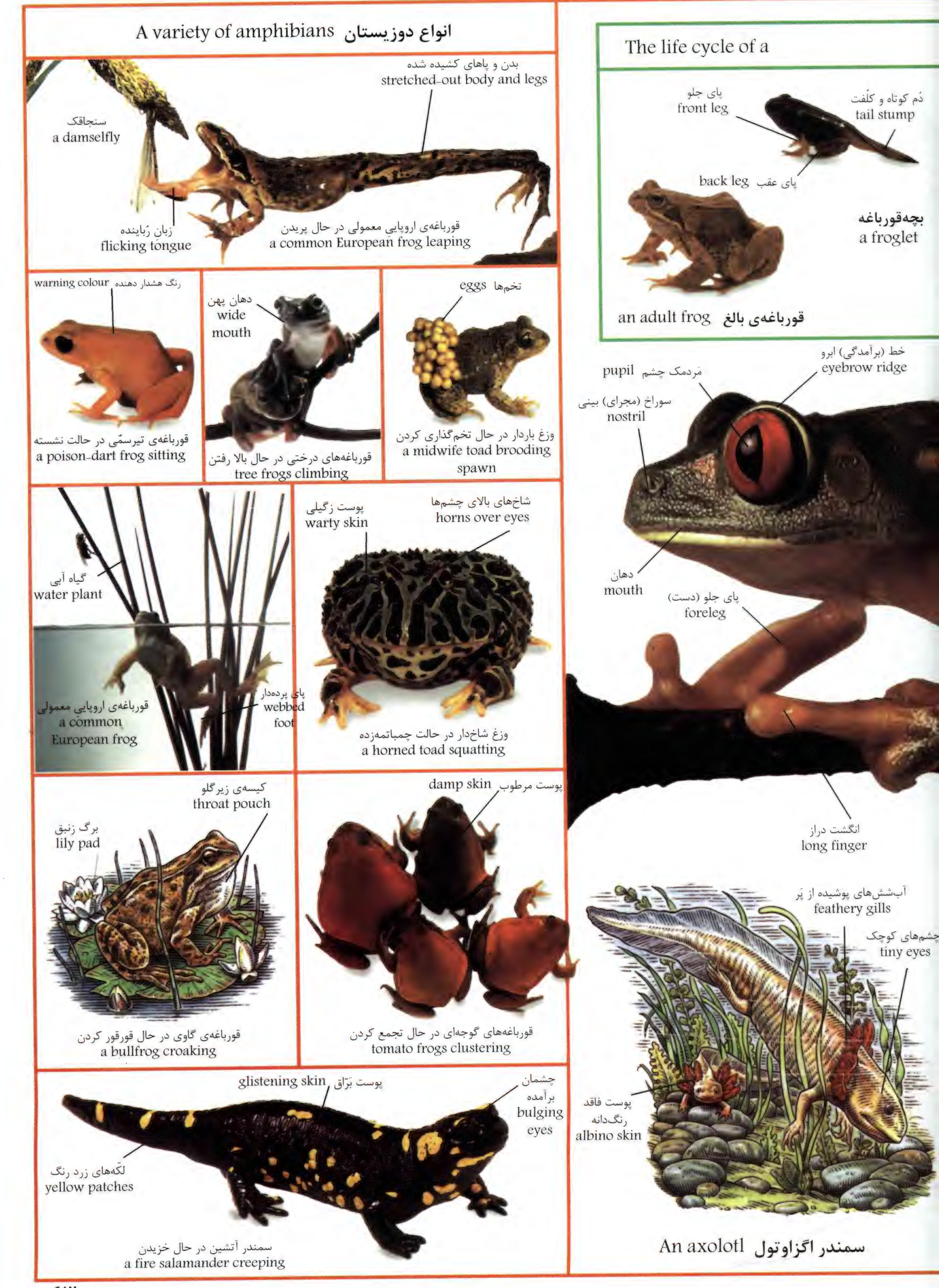
پوست مرطوب
moist skin

crest تاج

انگشت کوتاه و کلُفت پا
stubby toe

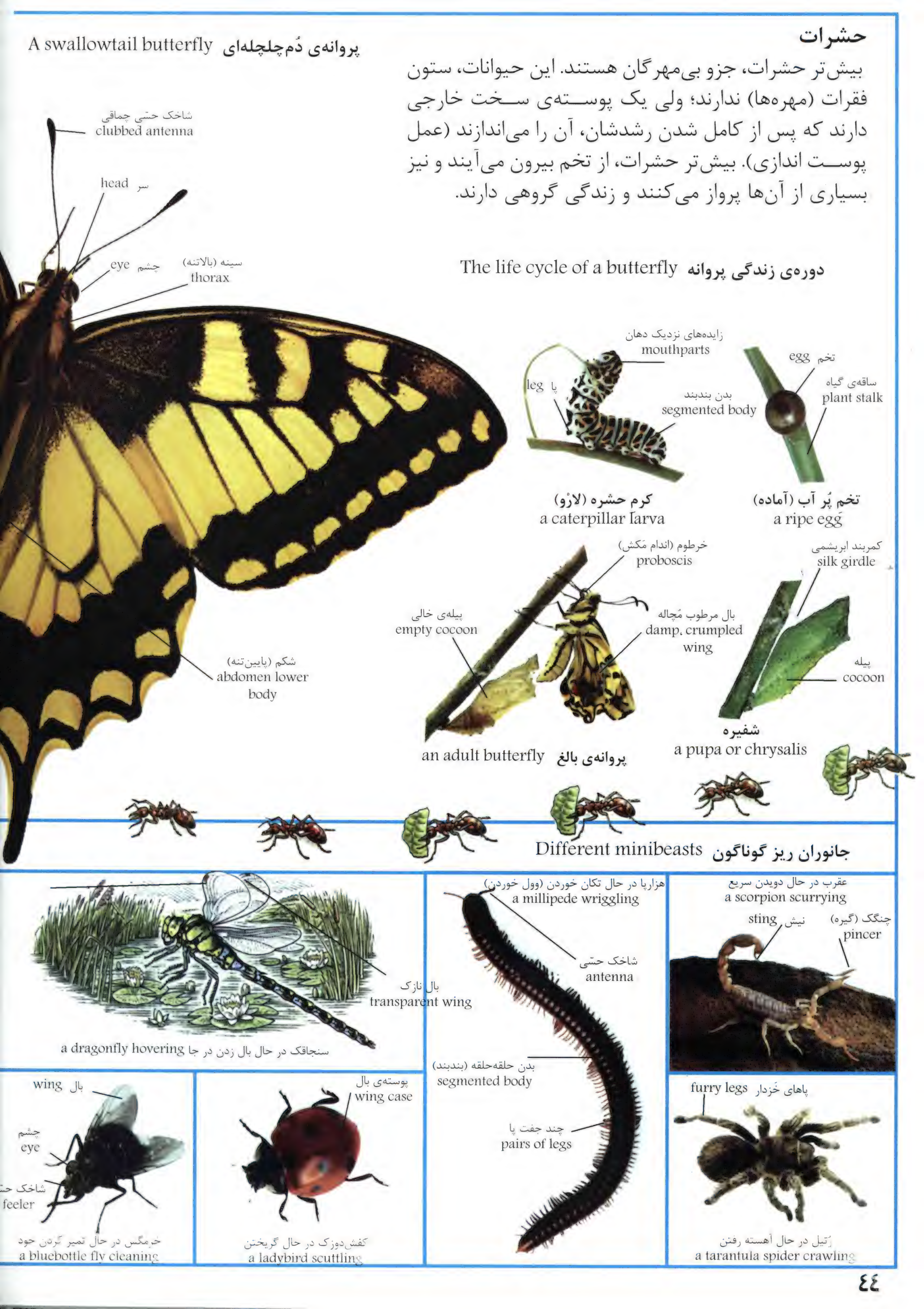
پای جلو (دست)
foreleg

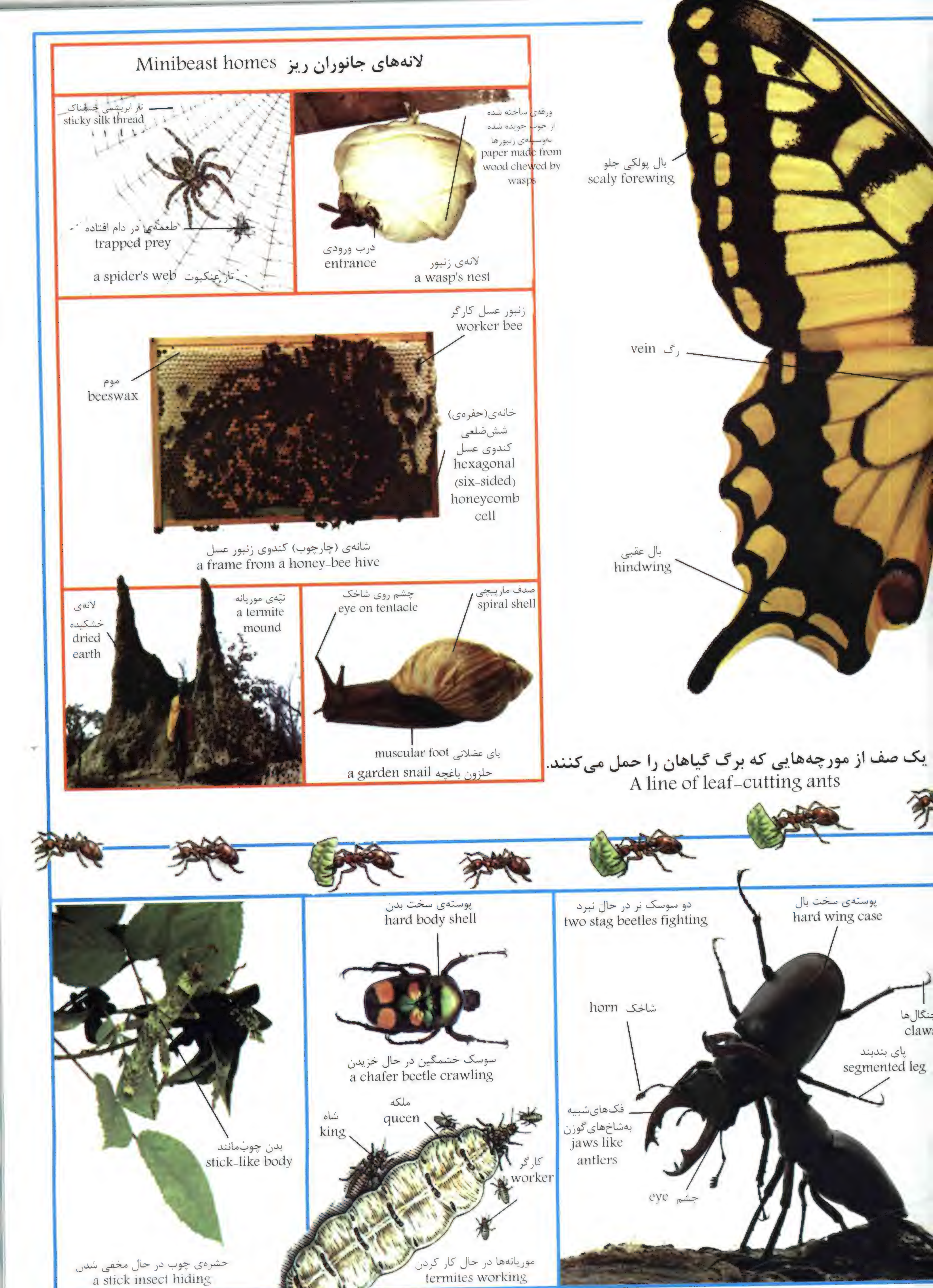
a mandarin salamander **سَمَندر ماندارِین**


A variety of amphibians انواع دوزیستان
بدن و پاهای کشیده شده
stretched-out body and legs
سنجاقک
a damselfly
زبان رُباینده
flicking tongue
قورباغه‌ی اروپایی معمولی در حال پریدن
a common European frog leaping
warning colour رنگ هشدار دهنده
قورباغه‌ی تیرسمّی در حال نشسته
a poison-dart frog sitting
دهان پهن
wide
mouth
قورباغه‌های درختی در حال بالا رفتن
tree frogs climbing
eggs تخم‌ها
وزغ باردار در حال تخم‌گذاری کردن
a midwife toad brooding
spawn
گیاه آبی
water plant
قورباغه‌ی اروپایی معمولی
a common
European frog
پای پرده‌دار
webbed
foot
پوست زگیلی
warty skin
شاخ‌های بالای چشم‌ها
horns over eyes
وزغ شاخدار در حالت چمباتمه‌زده
a horned toad squatting
کیسه‌ی زیرگلو
throat pouch
برگ زنبق
lily pad
قورباغه‌ی گاوی در حال قورقور کردن
a bullfrog croaking
damp skin پوست مرطوب
قورباغه‌های گوجه‌ای در حال تجمع کردن
tomato frogs clustering
glistening skin پوست بَرّاق
چشمان
برآمده
bulging
eyes
لکّه‌های زرد رنگ
yellow patches
سمندر آتشین در حال خزیدن
a fire salamander creeping
The life cycle of a
پای جلو
front leg
دُم کوتاه و کلُفت
tail stump
back leg پای عقب
بچه‌قورباغه
a froglet
an adult frog قورباغه‌ی بالغ
pupil مَردمک چشم
خط (برآمدگی) ابرو
eyebrow ridge
سوراخ (مجرای) بینی
nostril
دهان
mouth
پای جلو (دست)
foreleg
انگشت دراز
long finger
آب‌شش‌های پوشیده از پَر
feathery gills
چشم‌های کوچک
tiny eyes
پوست فاقد
رنگ‌دانه
albino skin
An axolotl سمندر اگزاوتول

حشرات

بیش‌تر حشرات، جزو بی‌مهرگان هستند. این حیوانات، ستون فقرات (مهره‌ها) ندارند؛ ولی یک پوسته‌ی سخت خارجی دارند که پس از کامل شدن رشدشان، آن را می‌اندازند (عمل پوست اندازی). بیش‌تر حشرات، از تخم بیرون می‌آیند و نیز بسیاری از آن‌ها پرواز می‌کنند و زندگی گروهی دارند.





Minibeast homes لانه‌های جانوران ریز
تار ابریشمی چسبناک
sticky silk thread
طعمه‌ی در دام افتاده
trapped prey
a spider's web تار عنکبوت
ورقه‌ی ساخته شده از چوب جویده شده به‌وسیله‌ی زنبورها
paper made from wood chewed by wasps
درب ورودی
entrance
لانه‌ی زنبور
a wasp's nest
زنبور عسل کارگر
worker bee
موم
beeswax
خانه‌ی(حفره‌ی) شش‌ضلعی کندوی عسل
hexagonal (six-sided) honeycomb cell
شانه‌ی (چارچوب) کندوی زنبور عسل
a frame from a honey-bee hive
لانه‌ی خشکیده
dried earth
تپه‌ی موریانه
a termite mound
چشم روی شاخک
eye on tentacle
صدف مارپیچی
spiral shell
muscular foot پای عضلانی
a garden snail حلزون باغچه
بال پولکی جلو
scaly forewing
vein رگ
بال عقبی
hindwing
یک صف از مورچه‌هایی که برگ گیاهان را حمل می‌کنند.
A line of leaf-cutting ants
بدن چوب‌مانند
stick-like body
حشره‌ی چوب در حال مخفی شدن
a stick insect hiding
پوسته‌ی سخت بدن
hard body shell
سوسک خشمگین در حال خزیدن
a chafer beetle crawling
شاه
king
ملکه
queen
کارگر
worker
موریانه‌ها در حال کار کردن
termites working
دو سوسک نر در حال نبرد
two stag beetles fighting
پوسته‌ی سخت بال
hard wing case
horn شاخک
چنگال‌ها
claws
پای بندبند
segmented leg
فک‌های شبیه به‌شاخ‌های گوزن
jaws like antlers
eye چشم

گیاهان

در مناطق گرمسیری، سردسیری، مرطوب و خشک، گیاهان مختلفی رشد می‌کنند. بعضی گیاهان، بسیار کوچک و بعضی دیگر مانند درختان، بسیار بزرگ هستند. بیش‌تر گیاهان گُل‌دارند و از دانه‌ی این گُل‌ها، گیاهان جدیدی می‌روید و نیز بیش‌تر گیاهان برای رشد کردن، به نور، آب و هوا نیاز دارند.



ساقه
stem
برگ
leaf
ریشه
root
tuber تُکمه
a potato plant گیاه سیب‌زمینی

tiny seed بذر بسیار کوچک
a dandelion clock گُل قاصدک

سَر گُل
flower
head
برگ ضخیم برّاق
thick, shiny leaf
پیاز گُل
bulb
ریشه‌ها
roots
پیاز گل لاله در حالی‌که گل دارد.
a tulip bulb in bloom

ساقه‌ی برگی
frond
ساقه‌ی زیرزمینی
(شبیه ریشه)
rhizome
root ریشه
a fern سَرخس

flower گُل
برگ سفت مومی
tough, waxy
leaf
a water lily زنبق آبی

یک زنبور عسل در حال گرده‌افشانی گُل رُز
a bee pollinating a rose
زنبور عسل در حال نوشیدن اندک‌اندک شهد گُل
bee sipping nectar

گل آفتاب‌گردان
a sunflower
گل
ray
شعاع‌های گل
disc florets
flowers

درخت راش در حال سبز شدن (روییدن از دانه)
A beech tree germinating

پوسته‌ی کُرکی بذر
hairy seed case
نوک ریشه
root tip
پوسته‌ی بذر شکافته می‌شود.
the seed case splits
میوه‌ی فندقی راش
a beech nut
پوسته‌ی بذر
seed husk
برگ‌های اوّلیه‌ی حلقه شده
curled first leaves
دومین جفت از برگ‌ها
second pair of leaves
ریشه‌های جانبی
برای محکم
نگه‌داشتن گیاه
side roots to
anchor plant
اوّلین جفت از برگ‌ها
first pair of leaves
ریشه‌ی اصلی
main root
جوانه رشد می‌کند تا به نهال
درخت راش تبدیل شود
the shoot grows into a
beech tree seedling
جوانه با فشار به‌سمت بالا
می‌رود.
the shoot pushes
upwards

Trees درختان

درخت برگ‌ریز (در تابستان)
a deciduous tree in summer
برگ‌های سبز
green leaves
درخت بلوط
oak tree

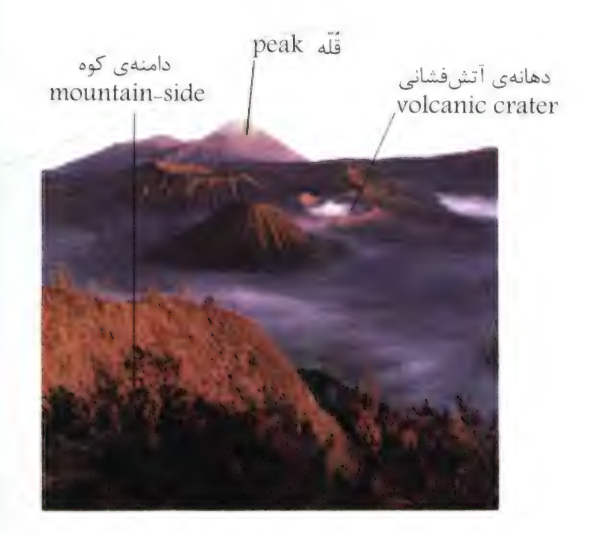
شاخه‌ی کوچک
twig
برگ‌های سوزنی
needles
شاخه
branch
مخروط (میوه‌ی
صنوبر و کاج)
cone
پوست درخت
bark
درخت مخروط‌دار همیشه‌سبز
a coniferous, evergreen tree

شاخه‌های عُریان
bare branches
درخت راش
beech tree
تنهٔ درخت
trunk
درخت برگریز در زمستان
a deciduous tree in winter

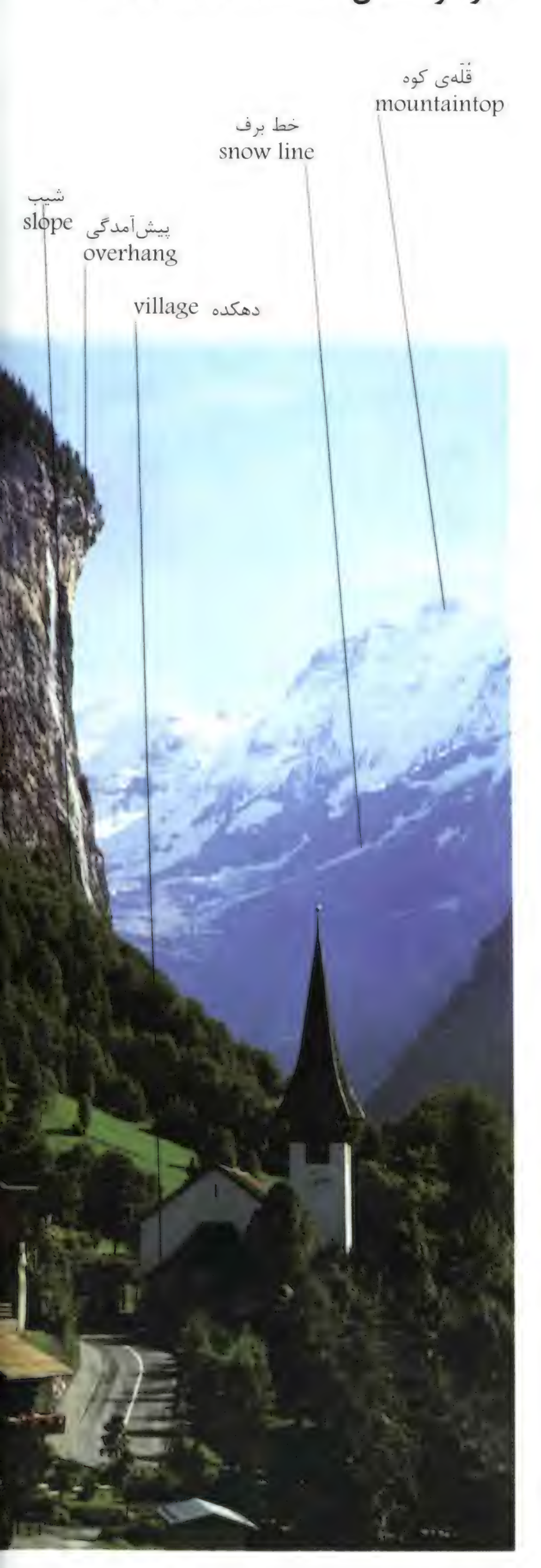
میوه‌ی توتی
berry
leaf برگ
خوشه‌ای از میوه‌های توتی درخت سمان کوهی
a cluster of rowan tree berries

محیط‌های خشک

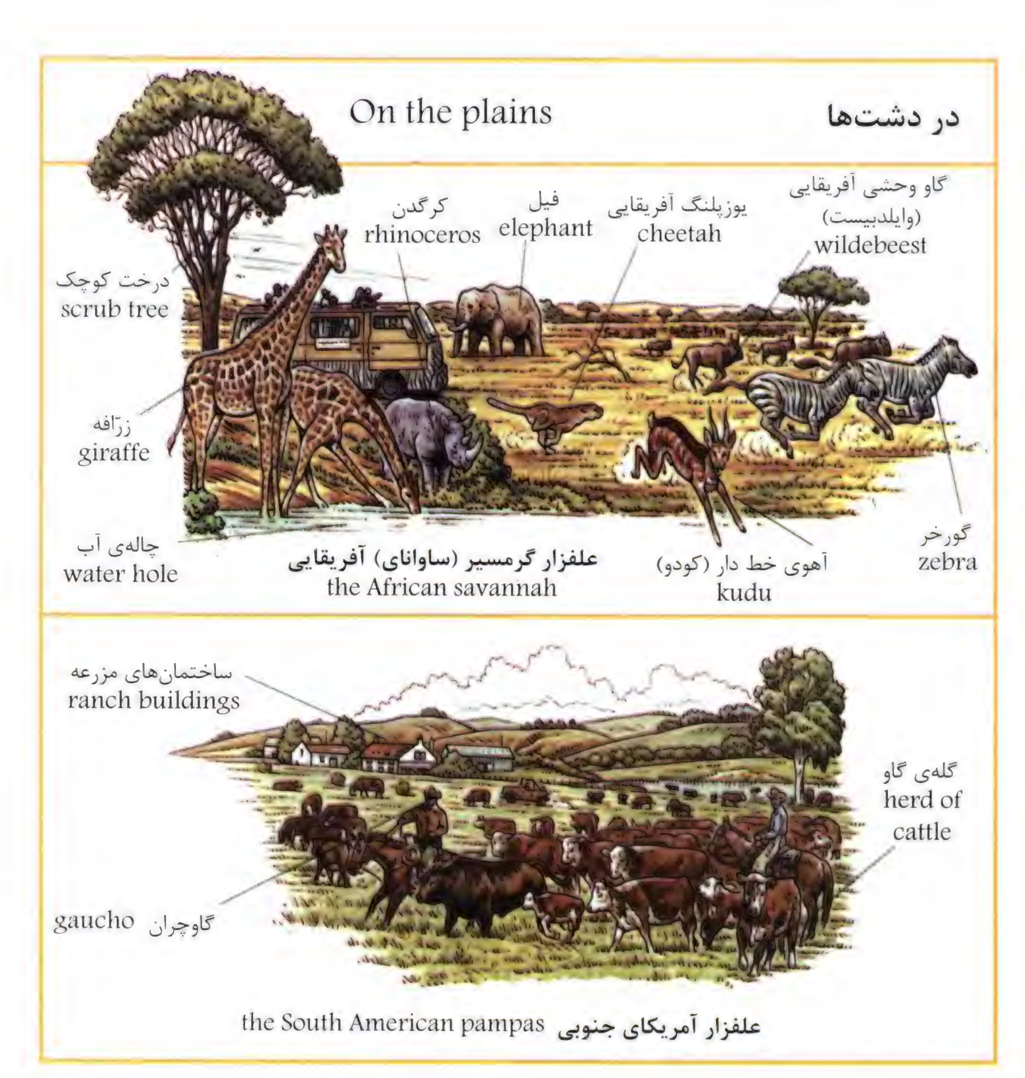
در طــول میلیون‌ها ســال، محیط‌های مختلفی در جهان شــکل گرفته اســت. در عصر یخ‌بندان، در اثر فرسایش رودخانه‌ها، درّه‌ها به‌وجود آمدند و در نتیجه‌ی فعل و انفعالات درونی زمین، رشــته کوه‌ها سربرافراشــتند. با گذشــت زمان و تغییرات محیط زیست، بسیاری از گیاهان و حیوانات برای سازگاری با محیط خود، تغییر و تکامل یافتند.



در کوهستان In the mountains



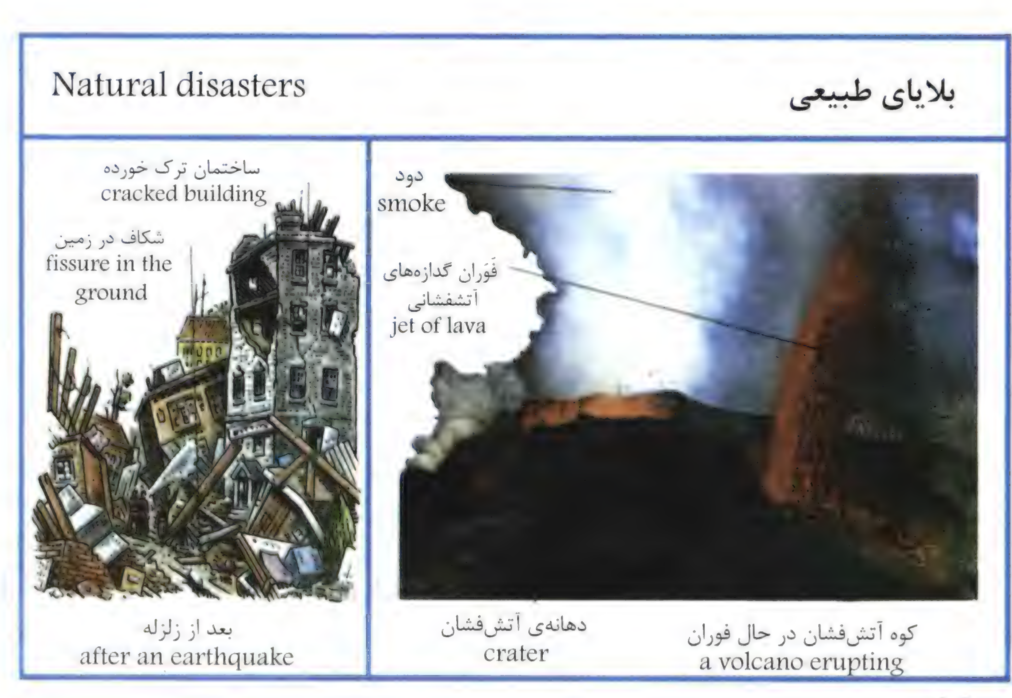
در دشت‌ها On the plains



علفزار گرمسیر (ساوانای) آفریقایی the African savannah

علفزار آمریکای جنوبی the South American pampas

بلایای طبیعی Natural disasters

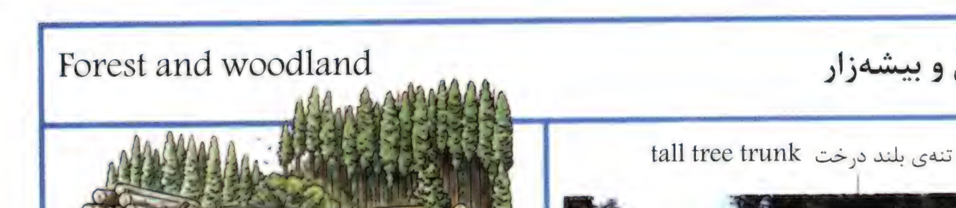


بعد از زلزله
after an earthquake

دهانه‌ی آتش‌فشان
crater

کوه آتش‌فشان در حال فوران
a volcano erupting

Forest and woodland — جنگل و بیشه‌زار



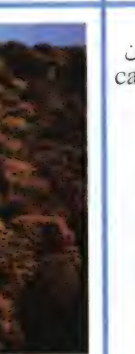
مجتمع کشت و صنعت درختان مخروطی
a conifer tree plantation



a redwood tree forest جنگل درختان سرخ‌چوب



rough scrubland زمین خارزار ناهموار



جنگل درختان پهن‌برگ (غیر سوزنی)
a broadleaf wood

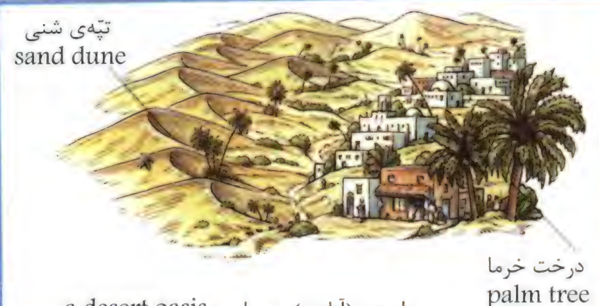


جنگل بارانی ناحیه‌ی گرمسیری
a tropical rainforest

Desert places — مناطق صحرایی



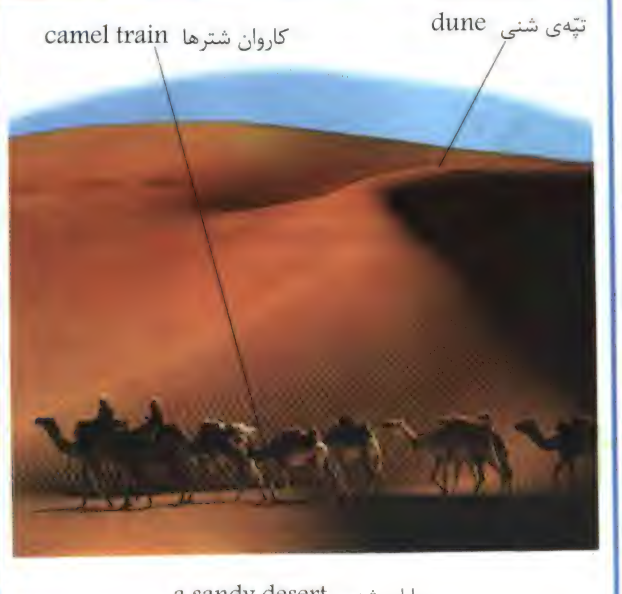
a rocky desert بیابان صخره‌ای



a desert oasis واحه‌ی (آبادی) صحرایی



an arid desert بیابان خشک



a sandy desert بیابان شنی

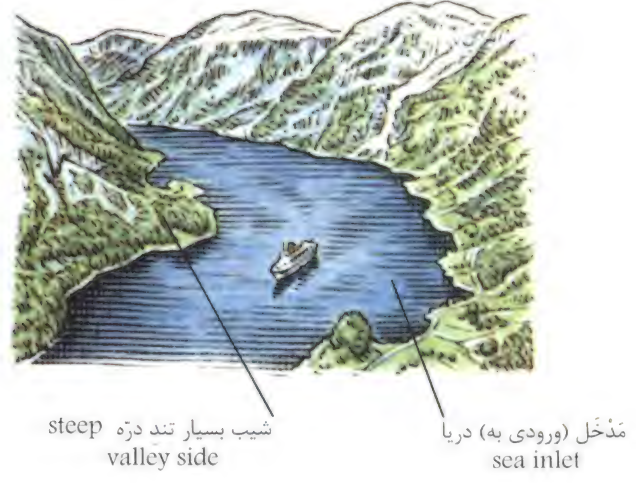
یک درّه‌ی کوهستانی
A mountain valley



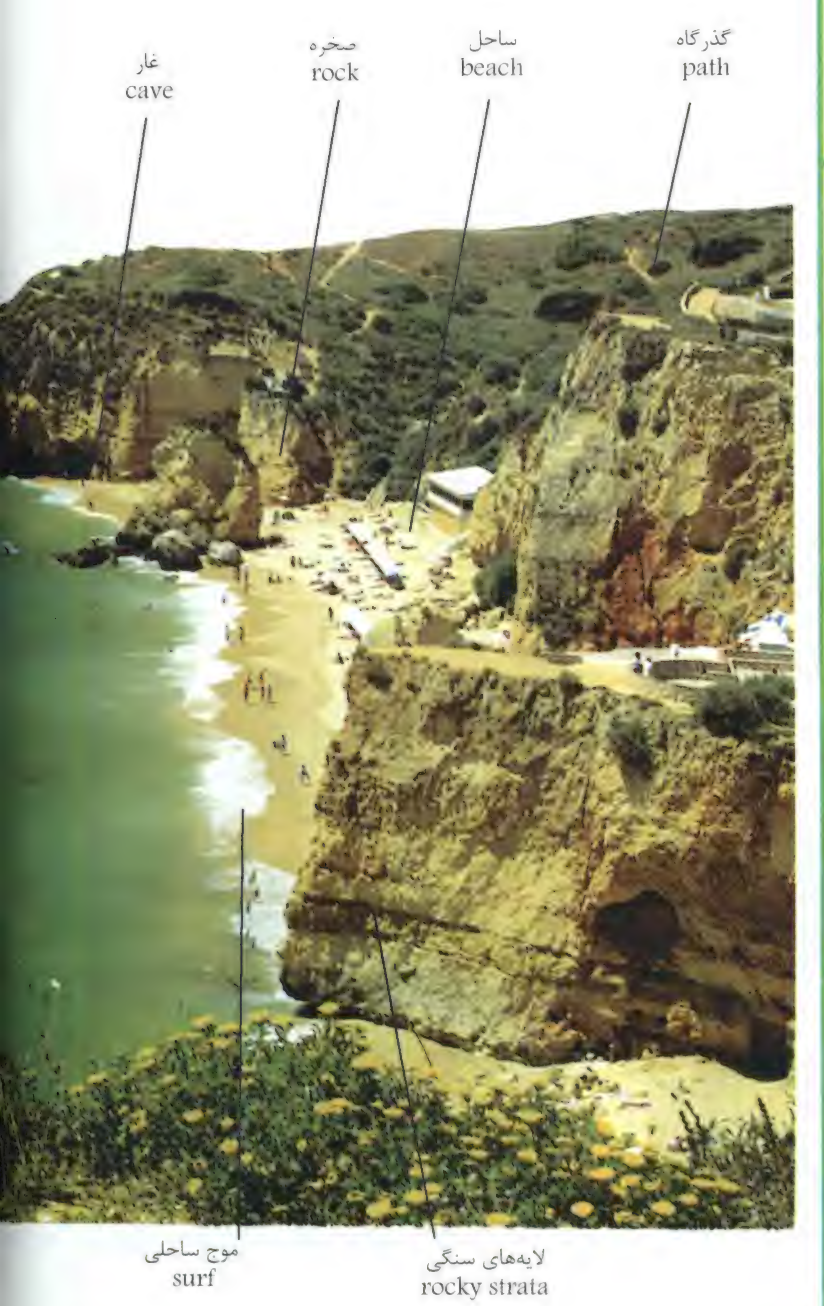
محیط‌های آبی

آب، به شکل رود، دریاچه، دریا و اقیانوس، بیش‌تر سطح زمین را فراگرفته است. با گذشت سالیان دراز، باد و امواج باعث فرسایش سواحل شده، پستی‌ها و بلندی‌های طبیعی هم‌چون بیابان‌ها را ایجاد کرده‌اند.

A fjord آب‌درّه



The coast ساحل



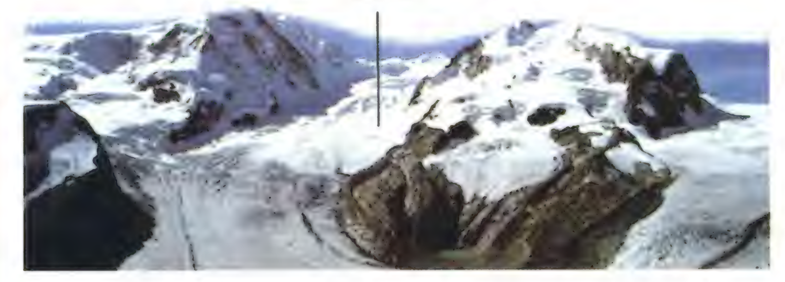
Cold places مناطق سردسیر

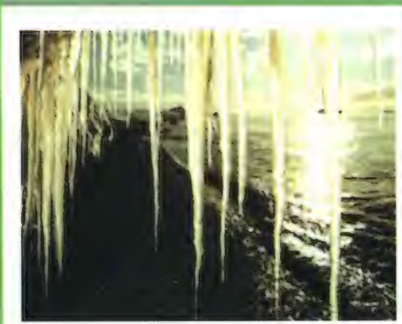


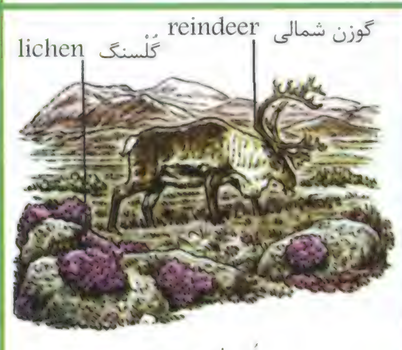
a floating iceberg in the ocean کوه یخ شناور در اقیانوس



river of ice رودخانه‌ی یخ (یخْرود)


a glacier in a mountain range یخچال طبیعی در رشته‌کوه‌ها


قَندیل‌های یخی در ساحل دریا
icicles on the seashore



تُندرای یخزده
the frozen tundra

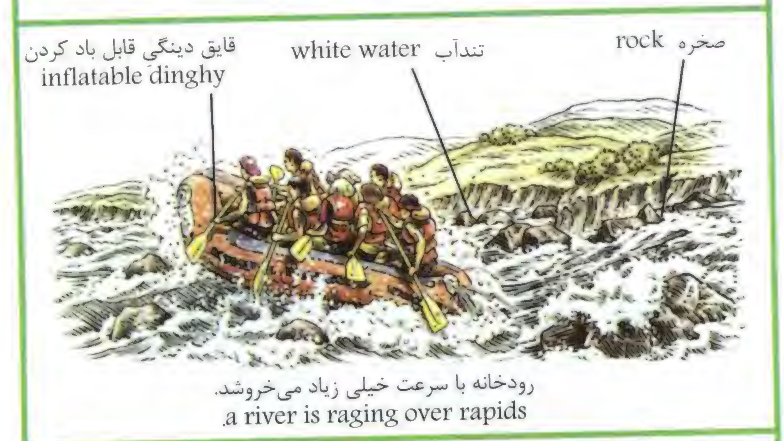


بهمن کوهستان
a mountain avalanche

Rivers and lakes رودخانه‌ها و دریاچه‌ها

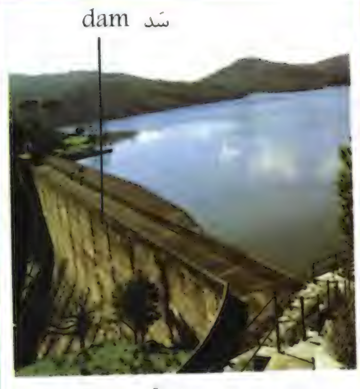


یک رودخانه آرام و پر پیچ و خم از یک جنگل بارانی می‌گذرد.
a river is meandering through a rainforest



رودخانه با سرعت خیلی زیاد می‌خروشد.
a river is raging over rapids.

a still lake یک دریاچه‌ی آرام و بی‌حرکت



مخزن آب
a reservoir of water



آب‌بند روی کانال
a lock on a canal



آبشار در حال ریزش
a cascading waterfall

Water sources منابع آب



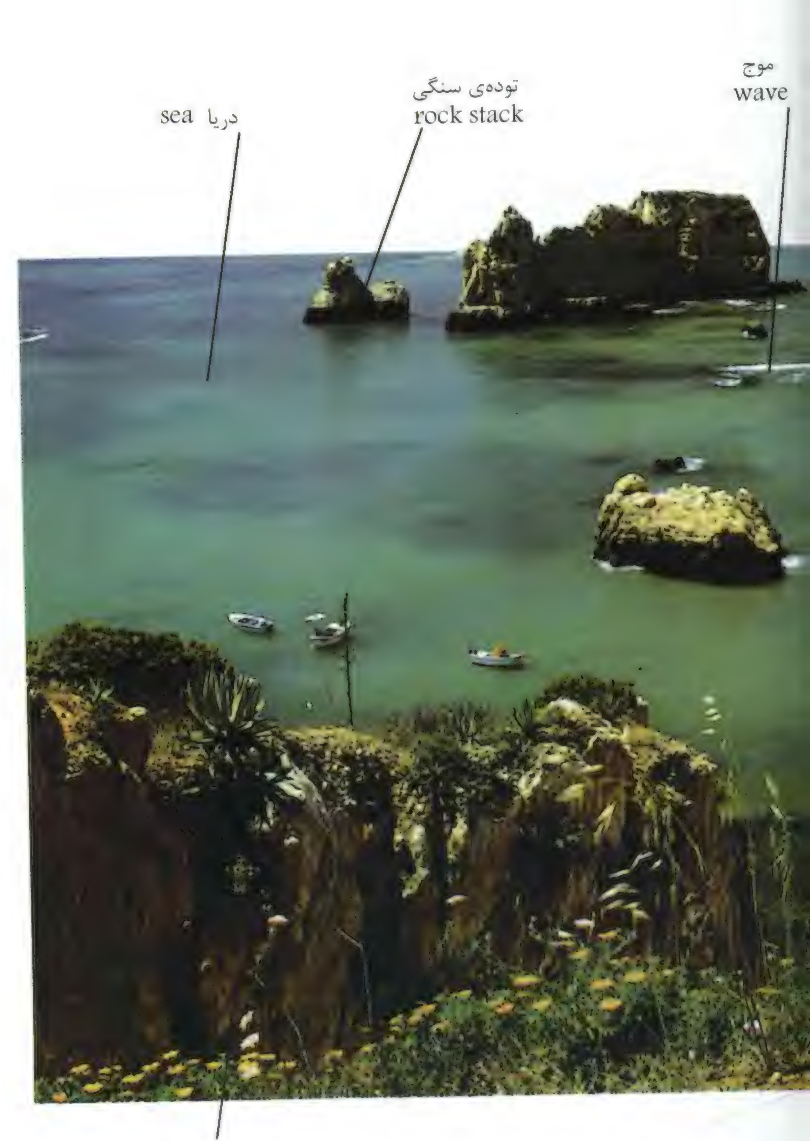
چشمه‌ی آب گرم در حال فَوَران
a geyser spurting



حوضچه‌ی گل در حال جوشیدن
a mud pool bubbling



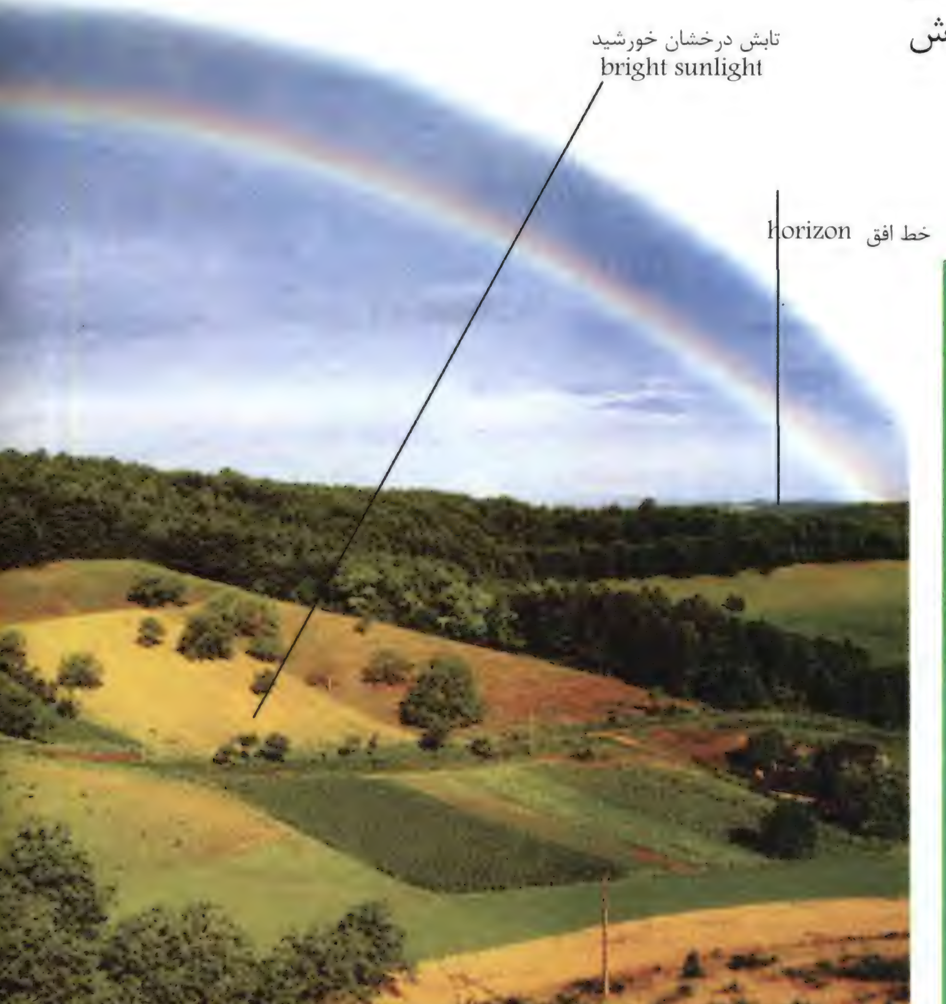
hot water springs gurgling چشمه‌های آب گرم در حال جوشیدن



آب و هوا

پوششـــی متراکم از گازها به نام جَو (اتمســـفر)، زمین را احاطه کرده اســـت. طبقه‌ی زیرین جو، همواره در حال گردش است و سبب ایجاد اوضاع مختلف آب و هوا، از قبیل گرما و ســـرما و وزش طوفان‌ها و گردبادهای سهمگین می‌شود.

چشم‌انداز بعد از طوفان رعد و برق
Landscape after a thunderstorm



بعضی انواع آب و هوا Some types of weather



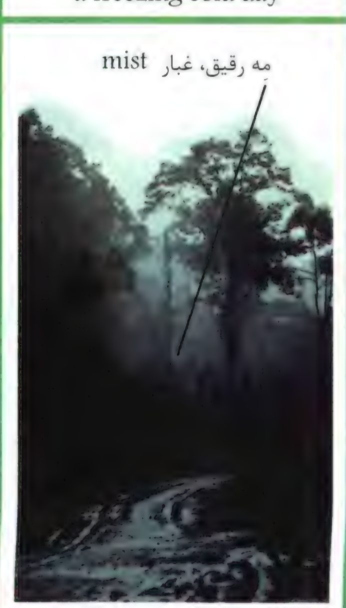
یک روز گرفته و مه‌آلود
a dull, foggy day



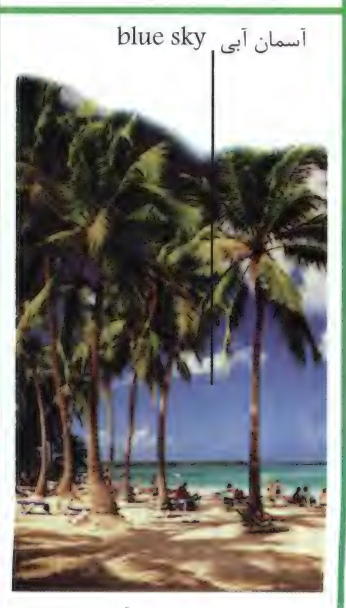
طوفان شدید همراه با رعد و برق
a wild thunderstorm


یک روز یخبندان و سرد
a freezing cold day


یک روز طوفانی و پُر باد
a blustery, windy day

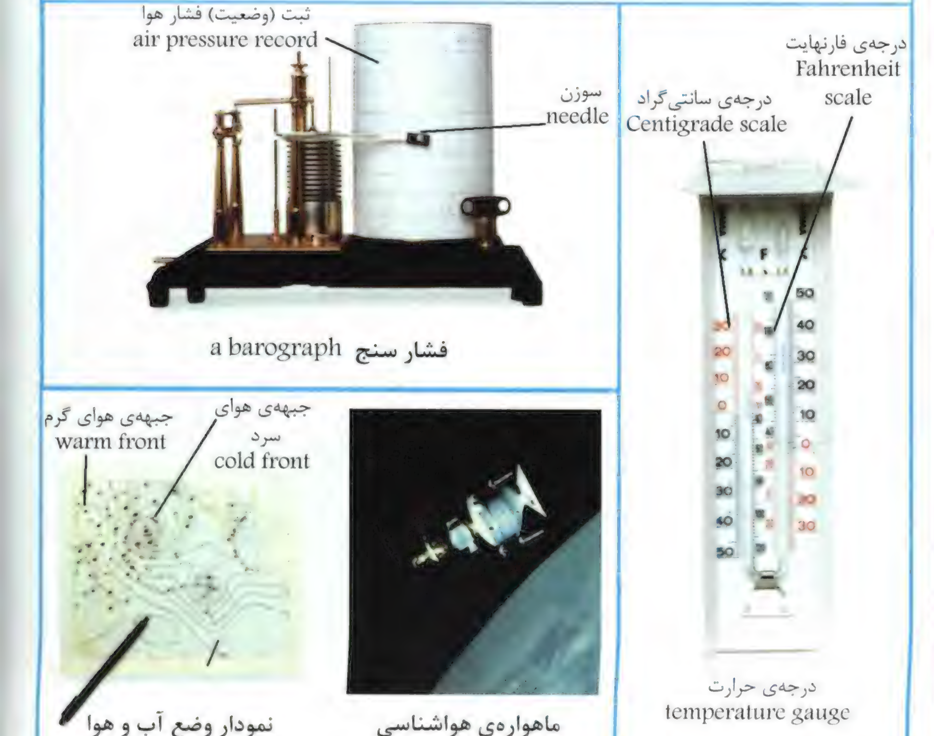


یک روز مرطوب و بارانی
a damp, rainy day



یک روز داغ و آفتابی
a hot, sunny day

پیش‌بینی وضع هوا Forecasting the weather



a barograph **فشار سنج**

دماسنج a thermometer

نمودار وضع آب و هوا
a weather chart

ماهواره‌ی هواشناسی
a weather satellite



Different types of clouds انواع مختلف ابرها



ابرهای کومولوس
cumulus clouds



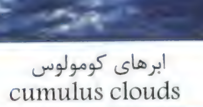
ابرهای سیروس
cirrus clouds



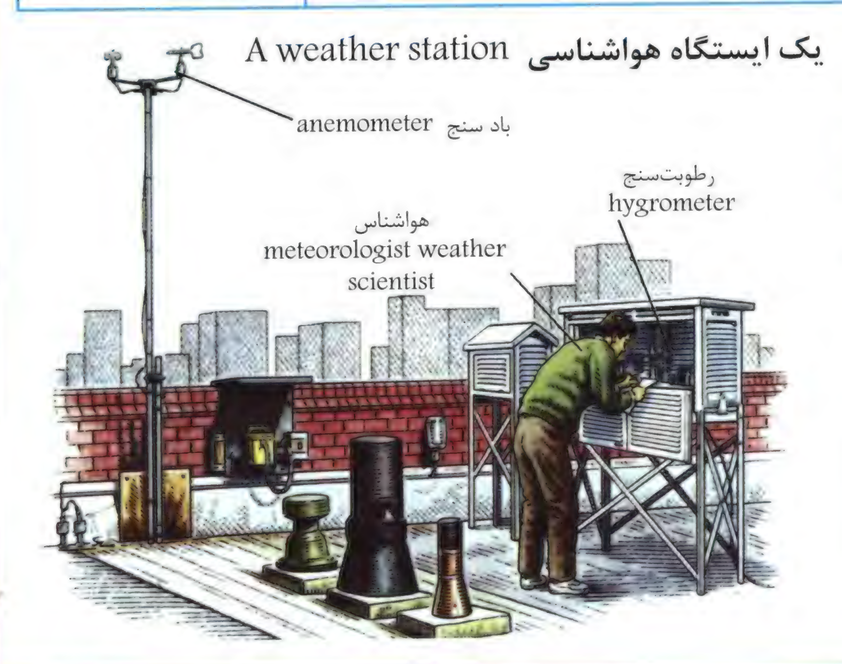
ابرهای آل‌توکومولوس
altocumulus clouds



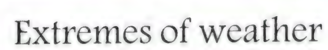
lenticular clouds ابرهای کوژ (ذرّه‌بینی)



A weather station یک ایستگاه هواشناسی







Extremes of weather شدیدترین اوضاع آب و هوایی



a violent hurricane تندباد شدید



طوفان شدید گرد و غبار
a raging dust storm



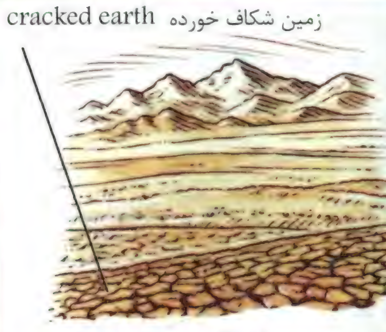
بعد از طوفان برف (کولاک)
after a blizzard



گردباد پُر پیچ و تاب
a swirling tornado



a torrential flood سیلاب شدید



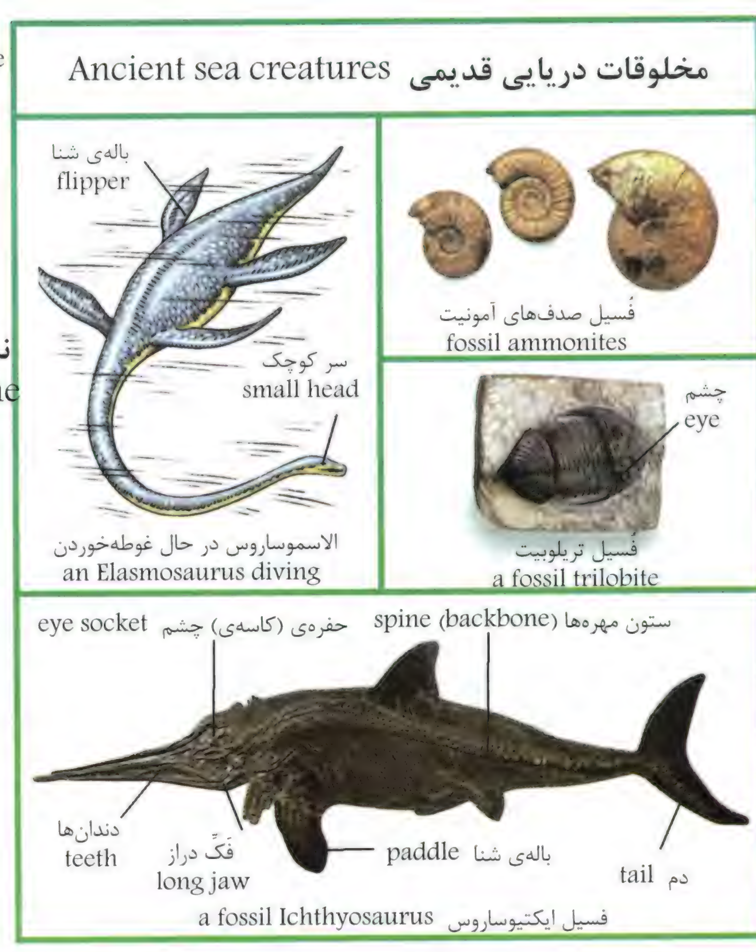
خشک‌سالی شدید
a searing drought

در زمان‌های قدیم

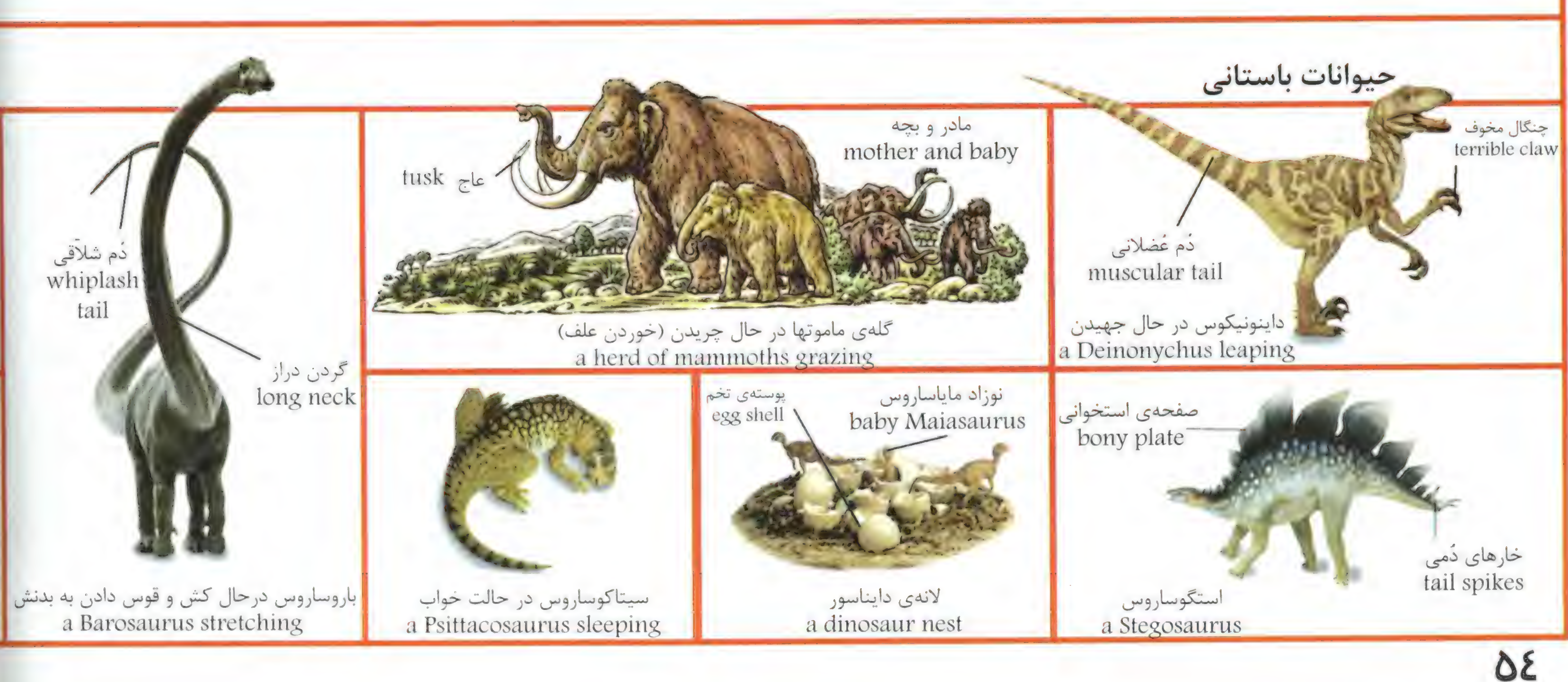
حدود ۷۰۰ میلیون سال قبل، گیاهان و حیوانات اوّلیه، روی زمین ظاهر شدند و از آن زمان تاکنون، جانوران زیادی از جمله «دایناسورها» تکامل یافته، سپس منقرض شده‌اند. دایناسورها حدود ۱۶۵ میلیون سال بر زمین حکومت کردند؛ ولی نسل آن‌ها، خیلی پیش از ظهور انسان در زمین، منقرض شد.



نمونه (مدل) سازی استخوان دایناسور
Making a replica dinosaur bone



حیوانات باستانی



Early people انسان‌های اوّلیه

شکستن چخماق
chipping a flint

خانواده‌ی انسان‌های اولیّه
a family of Homo erectus people

سنگ چخماق
flint

سرتیشه‌ی چوبی
wooden axe head

دسته‌ی چوبی
wooden handle

a flint axe تیشه‌ی چخماقی

محفظه‌ی مغز
brain case

حفره‌ی (کاسه‌ی) چشم
eye socket

دندان‌ها
teeth

فسیل جمجمه‌ی انسان
a fossil human skull

حلقه‌های گلی
coils of clay

a clay pot ظرف گِلی

اسب
horse

نقّاشی در غار از حیوانات
a cave painting of animals

گاو میش کوهان‌دار آمریکایی (بوفالو)
bison

دایناسور تیرانوساروس رکس
A Tyrannosaurus rex dinosaur

دُم تاب خورنده
swinging tail

powerful legs پاهای قوی

A Tyrannosaurus rex skull جمجمه‌ی تیرانوساروس رکس

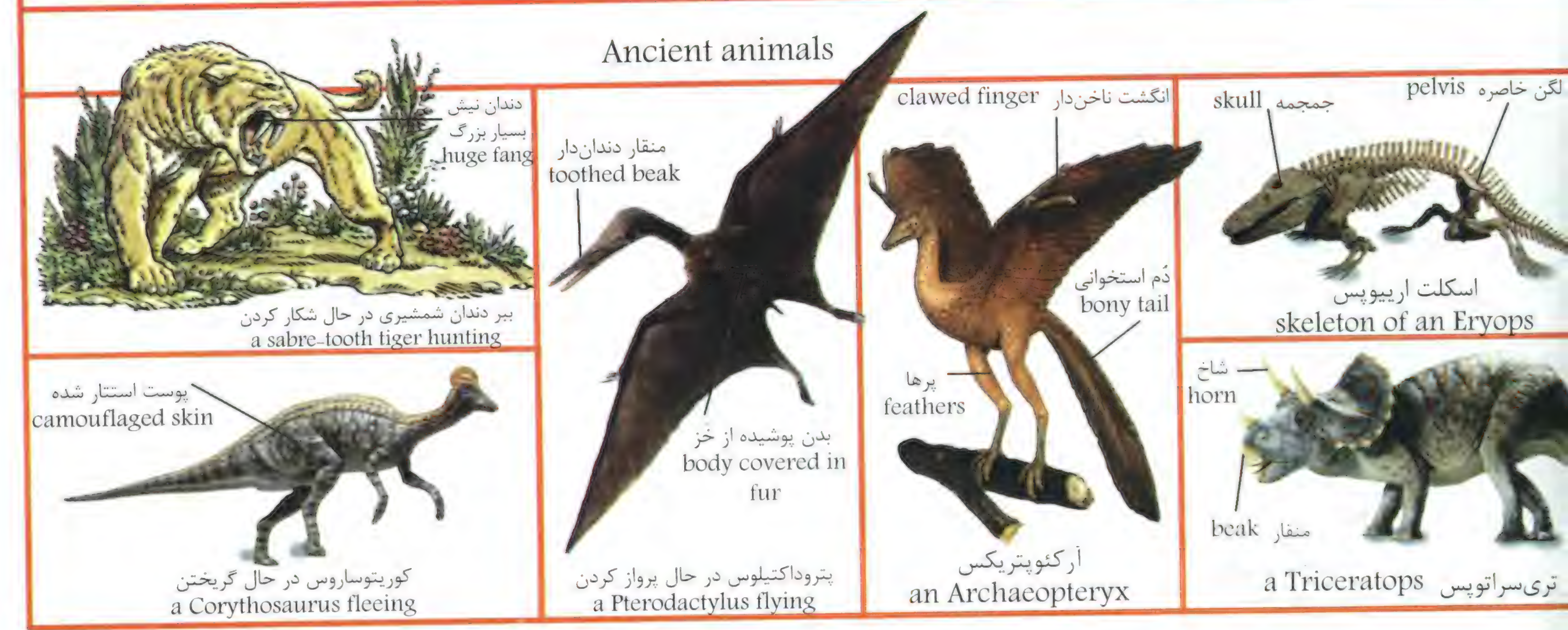
حفره‌ی (کاسه‌ی) چشم
eye socket

حفره‌ی بینی
nasal cavity

سوراخ محل اتّصال ماهیچه
hole where muscle was attached

jaw فک

tooth دندان



فضا

اوّلیــن قمر مصنوعی، در ســال ۱۹۵۷ میلادی در مدار زمین قرار داده شــد. امروز ســفینه‌های فضایی مختلــف، قمرهای مصنوعی را که حامل فضانوردان و دســتگاه‌هایی مشــابه سفینه‌های فضایی هستند، در مدار زمین رها می‌کنند.

An astronaut فضانورد

دستگاه کنترل دستی هدایت فرد
Manned Manoeuvring Unit MMU

safety harness کمربند ایمنی

دست‌کش فضانوردی
space glove

کنترل دستی
hand control

لباس لایه‌دار
padded oversuit

چنگک برای جمع کردن نمونه‌های سنگ
rake for collecting rock samples

Out in space در فضا

کهکشان ستارگان
a galaxy of stars

خورشید (در پشت)
sun behind

ماه (در جلو)
Moon in front

an eclipse of the Sun خورشید گرفتگی

a comet ستاره‌ی دنباله‌دار

a black hole سیاه‌چاله

سَحابی
a nebula mist of stars

صورت فلکی ستارگان
a constellation of stars

صورت فلکی ستارگان
a constellation of stars

Pluto پلوتو

نپتون
Neptune

اورانوس
Uranus

کیوان (زحل)
Saturn

مشتری
Jupiter

Earth زمین

خورشید (یک ستاره)
sun a star

تیر (عطارد)
Mercury

مریخ (بهرام)
Mars

ناهید (زهره)
Venus

Space machines دستگاه‌های فضایی

برج فرار
escape tower

اتاق فرمان
command module

مُدول (اتاقک فضاپیما) ماه
lunar module

موتور
engine

مخزن سوخت
fuel tank

موتور
engine

باله
fin

موشک (راکت) فضایی
a space rocket

باتری خورشیدی صفحه‌ای
solar panel

تلسکوپ فضایی a space telescope

فرود در آب
splashdown

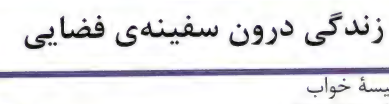
اتاق فرمان
a command module

آنتن
antenna

حس‌گرها sensors

نازل (پخش‌کُن) گاز
gas nozzle

فضاپیمای (سفینه‌ی فضایی) بدون سرنشین
an unmanned spacecraft



فضاپیما در حال برخاستن از سکوی پرتاب
a space shuttle blasting off



Life on board a space ship زندگی درون سفینه‌ی فضایی

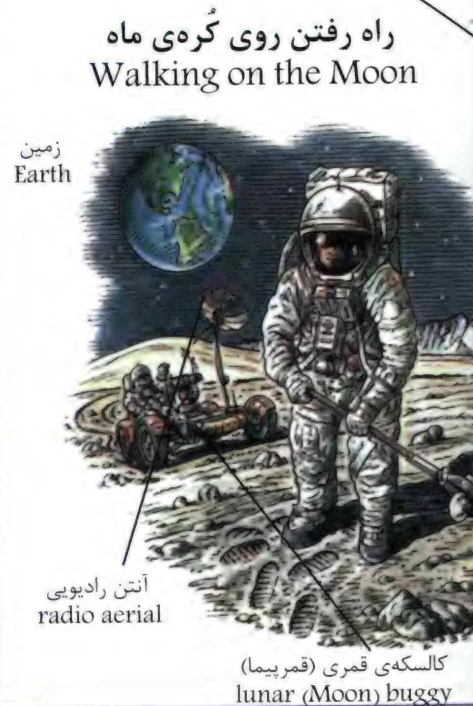


exercising تمرین کردن



sleeping خوابیدن

راه رفتن روی کُره‌ی ماه Walking on the Moon



فهرست الفبایی